

اندروز به جوانان

بقیه از صفحه ۶۶۳

عقل ، هشیار ، و خون سرد باشید

عقل و خونسرد بودن برای جوانان خیلی مشکل است ولی برادران عزیز جز این چاره نیست من یقین دارم شما هرگز میهن عزیز خود ایران را ترک نخواهید کرد ایرانی اصل که دو هزار و پانصد سال است در این فلات زندگی میکند شما هستید عده ییشاری از ایرانیان کنونی قبایل غیر ایرانی هستند که با ایران آمده وزیر لویای منهد از تعرض مصون مانده اند شما وطنی جز ایران ندارید شما را برانند از این در ، در خواهید آمد از در دیگر از این شهر به شهر دیگر ولی از ایران به جای دیگر نیروید در شما یک قدرت مافوق قوا وجود ندارد که بتوانید مکتون ضنیر خود را بیازده میلیون برادران ایرانی خود حالی کرده حقیقت خودتان را نشان دهید فقط مرور زمان استفاده از فرصت های خوب بسط فرهنگ و دانش و استدلال باندازه کنجش استنباط طرف شما رانجات میدهد ، در بحثی که بین بنده و آقای رمین واقع شد یک باره احساسات شما جوانان بجوش آمد دفتر عالم یهود فرصت مطالعه نامه ها و تلگراف ها و مقاله های وارده در این موضوع را نداشت همه آنها را برای من فرستاد این جنبش احساسات و تحریک غرور آمیز که نشانه بارز از زنده بودن روح اجتماعی و ملی و ایرانی شما است ولی شرایط زمان و مکان و میزان کنجش استنباط طرف را رعایت نکرده اید .

هزار دلیل بیوقع برای سران حزب ایران که اگر شما ناسیونالیست هستید چرا ما را راه نمیدهید و اگر زیر ناسیونالیست شما آتش نازیت خفته است اشتباه کرده بضرر ملت ایران و بضرر خودتان ندانسته اقدام کرده اید تا زمانی که زمینه مساعد برای حسن تفاهم فراهم نشده باشد بی نتیجه است .

بی نتیجه بلکه بخلاف منظور است چه این همه استدلال قوی در برابر تربیت های غلط و تبلیغات دامنه داری که آنها را از شاد و رساخته باعث میشود که چند وصله دیگر بر وصله غیر ملی بودن الصاق و تحریکات مغرضانه هم از طرف کسانی که در سیاست خارجی کشور ما منتظر این قبیل فرصت ها هستند اضافه شود .

باینجهت من بحث خود را با سران حزب ایران برای زمانی که شرایط لازم فراهم شود بتأخیر ماندازم و از شما جوانان ضمن اظهار کمال خوشوقتی از پایداری که بعمل آورده اید تمنا میکنم در نگارشات خودتان همیشه مدلول این تذکر برادرانه من را در نظر بگیرید تا بتوانیم بخواست خدا و به پشتیبانی احساسات و قدرت جوانی شما با منطقی که همیشه باید ضعیف در مقابل قوی به آن متمسک شود بشکلات فائق آمده و بتدریج محیط صمیمی آمیخته با حسن تفاهم فراهم کنیم .
باز جمله خود را تکرار میکنم .
احساسات جوانها نباید بر عقل آنها غلبه کند .

••••• سرگردان

تسلیمت

بناسیت قوت ناگهان مارکو (پمردخای) کهن در فرانسه بکلیه باز ماندگان آن مرحوم ناکام بخصوص مسیو کهن و مادام کهن تسلیمت عرضه میداریم . از طرف محصلین ششم ابتدائی پسران دبیرستان اتحاد س . روین

آقای اداری

دفتر عالم یهود کلیه بعد از ظهر ها برای مراجعه از باب رجوع از ساعت ۵ الی ۹ باز است مگر بعد از ظهر های شنبه و ۲ شنبه

سوال از سرگردان

البته ضمن سرگردانی خودتان بوضع اختلافات یهود و عرب در فلسطین برخوردار گردیده اید اگر از این بابت مطلبی میدانید برای ما بفرستید تا خوانندگان از سرگردانی درآیند و معلوم شود این اختلاف سرچيست .
ح-ل

فراموش نفرمائید که بهترین وسیله برای نایش احساسات ملت دوستی و نوع پروری کمک در ساختمان زایشگاه است .

استخدام حسابدار و منشی

کانون خیر خواه احتیاج بیک نفر کارمند که در قسمت محاسبات و دفتر داری و تحریرات اطلاع کافی داشته باشد احتیاج دارد .
داوطلبان به آقای پیروزیان خیابان ناصر خسرو کوچه خراسانیها مراجعه فرمایند .
۱-۲

روت کیست ؟

روت زن جوانی است از اهل موآب که شوهرش در گذشته و با نداشتن هیچ طمع دنیوی مادر شوهر خود ناعمی را ول نکرده خود را برای خاطر وی بفریب می اندازد و کیش اصلی خود را نیز بکیش اسرائیل تبدیل میکند و بالاخره حضرت داود از سلاله او بدینا میاید روت مظهر وفاداری و مخصوصاً علاقه و محبت بپادشاه شوهر است روت عروسها و مادر شوهر هارا بدین نایش دعوت مینماید تا به بیند چه نمونه های بزرگ اخلاقی در تاریخ کتاب مقدس برای ایشان یادگار مانده است .
از طرف متصدیان نایش روت و ناعمی من . حیم

آقای

باطلاع عموم مشترکین محترم عالم یهود میرساند بطوریکه سابقاً نیز با اطلاع رساید آقای د . حکایان سازنده تصنیف های جدید مقداری از کتابچه های تصنیف را به نشانی مشترکین محترم عالم یهود فرستاده اند خواهشمند است آقایانیکه این دفترچه را دریافت فرموده اند مبلغ ۵ ریال تبریهای آنرا به نشانی (تهران - چهارراه یوسف آباد چاپخانه بوستانی) ارسال فرمایند .



بازم

بازم از طبع آقای مصور حکیم از طبع خارج خواهد شد

آقای

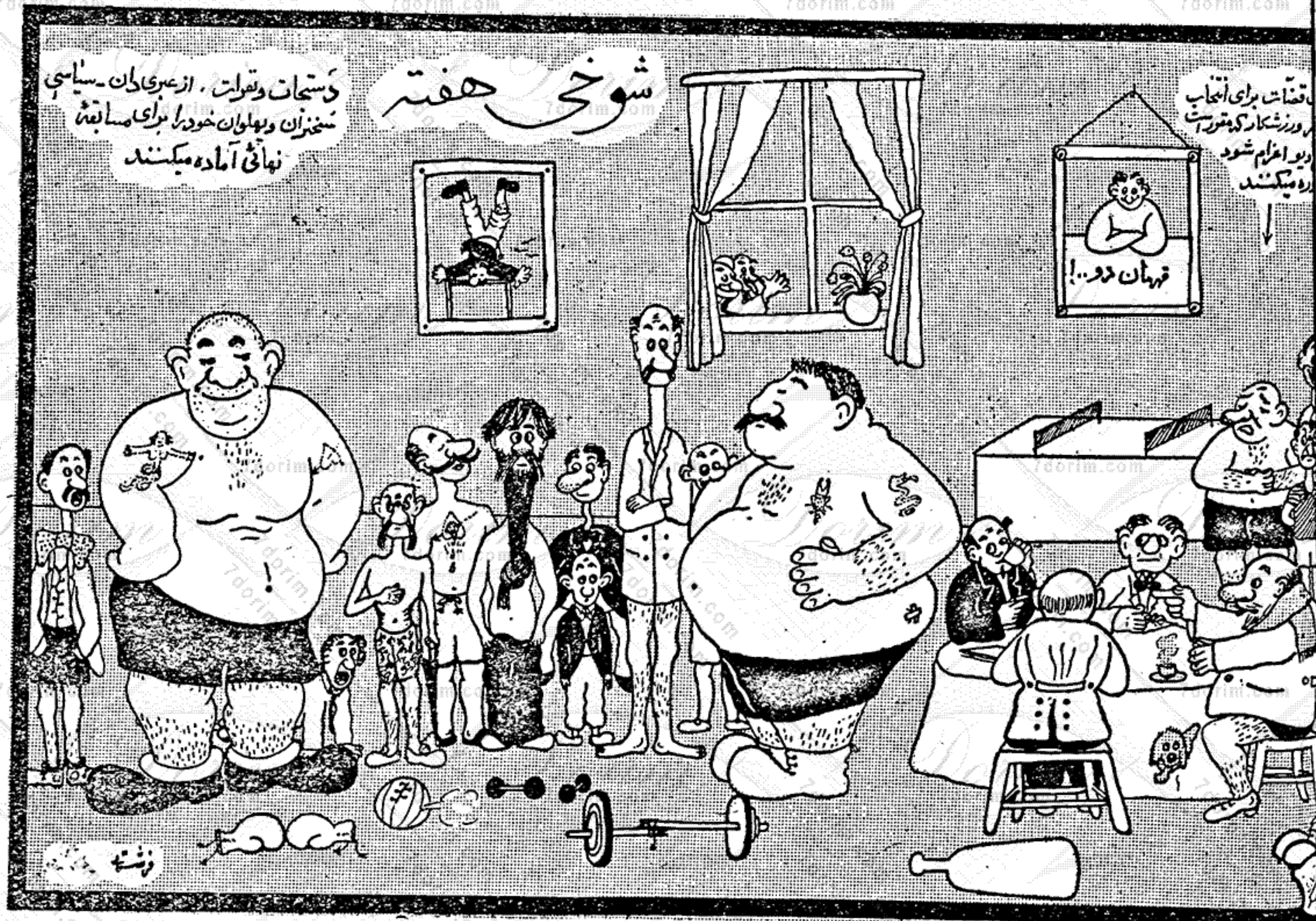
دفتر عالم یهود روز های دو شنبه بکلی تعطیل است .

شنبه ۲۶ سیوان
۵۷۰۶
ماه ریال
قسمت
۴۱

عالم یهود

نشانی دفتر
تهران
خیابان سپه مقابل پستخانه
عنوان تلگرافی
« هاعولام »

جایزه هفتگی



شوخی هفته

دستجات و قمارت . از عربی دان سیاسی سخنران و بهایان خود را برای مسابقه نهائی آماده میکنند

تقاضای برای انتخاب روز شکار که قمر است روی اعلام شود روی میکنند



تهران درو!

بمقصد نزدیک میشد مردم بر سرعت رقیبان افزوده شد بدبختانه چرخهای ۲ نفر پنجر شد و یک نفر دیگر چرخش گیر پیدا کرد تا آنکه در ساعت ۴۵ دقیقه تمام با رکورد ۳۵ دقیقه عنایت الله ملامد ب مقام اول و آقای ساسون جلیلی با رکورد ۳۶ دقیقه ب مقام دوم و آقای ناصر نصیر زاده نفر سوم شناخته شدند .
و بهمین ترتیب نفر چهارم ناصر بوستانی و پنجم پرویز یادگار و نفر ششم سینا اسلت بمقصد رسیدند که جوایز برترتیب اول و دوم و سوم گلدان و چهارم و پنجم و ششم مدال اهدا گردید .

یک دو سه - بازهم یک مسابقه دیگر بر تاریخ دوچرخه سواری ما اضافه شد .
۱۰ دقیقه صبح شنبه دومین مسابقه دوچرخه سواری یهود توسط باشگاه تن آویو از پهلوی تا تجریش بین شانزده نفر از خردسالان ما شروع شد .
محیط دوستانه تر از آن بود که بفکر هر تشویق کننده ای میرسید گاهگاهی صدای تشویق از جمعی شنیده میشد هر کس یک نفر را برای مقام اول معرفی میکرد ساعت رسیدن

تقویم هفتگی

سوان ۵۷۰۶	تیر ۱۳۲۵	۱۹۴۶ م
شنبه ۲۶	۴	۲۵
« ۴	۵	۲۶
« ۵	۶	۲۷
آدینه ۲۹	۷	۲۸
شنبه ۳۰	۸	۲۹
« ۱	۹	۳۰
« ۲	۱۰	۱

فهرست مندرجات

عنوان	صفحه
دراطراف مالکیت	۶۷۹
گذشته و حال پایه آینده است	۶۸۰
تعلیمات اخلاقی یهود و اسلام	۶۸۱
اخبار دنیای یهود	۶۸۲
اخبار قرن قیمت	۶۸۳
کیبوسا	۶۸۴
اخبار اخله	۶۸۵-۶۸۴
تاریخ مختصر یهود	۶۸۶
مدفن حضرت دابانل نبی	۶۸۷
جوابهای خصوصی - ساعت	۶۸۸
جواب سرگردان	۶۸۹
جوجه نویسنده ها دقت کنند	۶۹۰
مسابقات	۶۹۱-۶۹۲

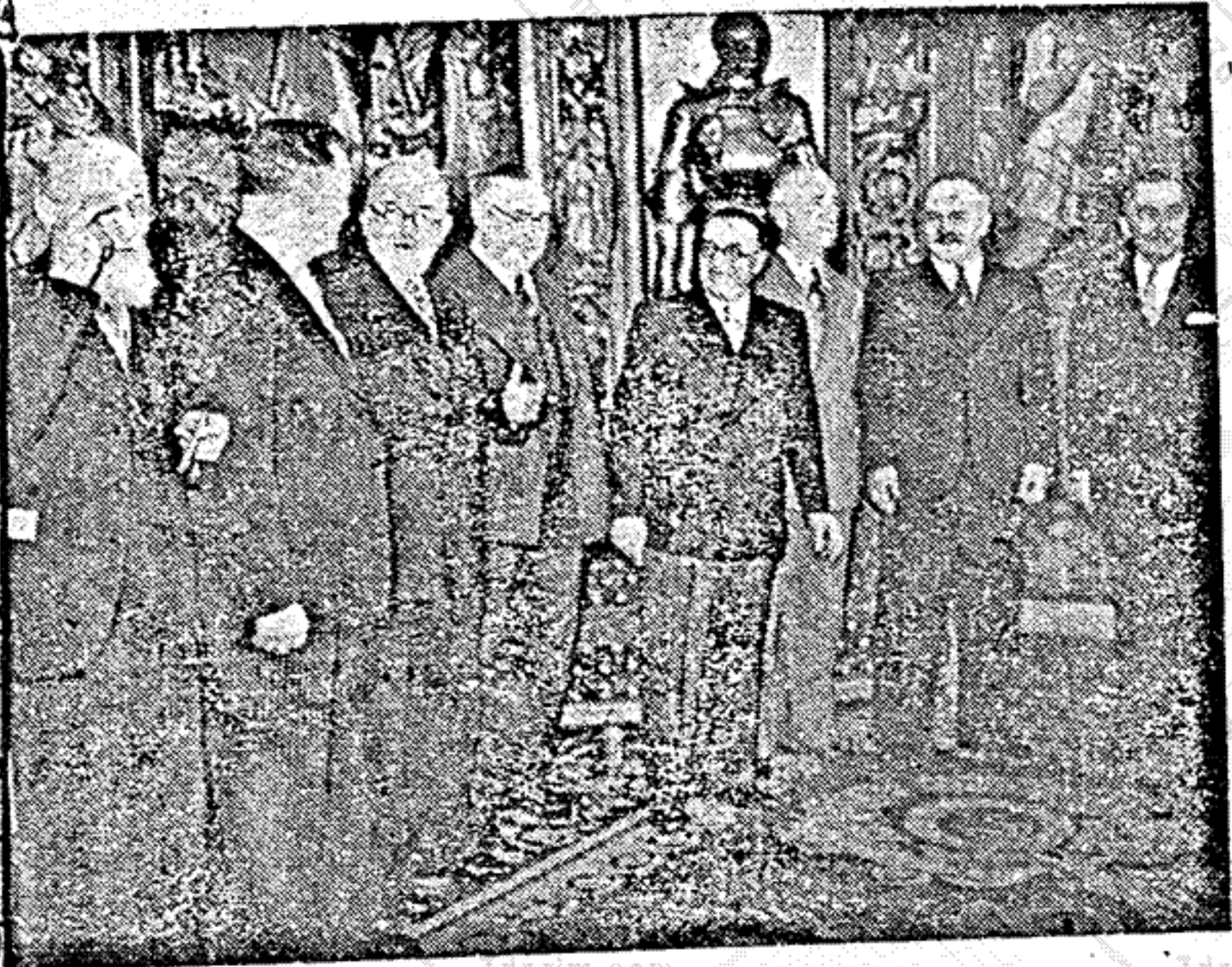
ایسرائل در دیامپورا

!!!

نمایش روت و ناعمی

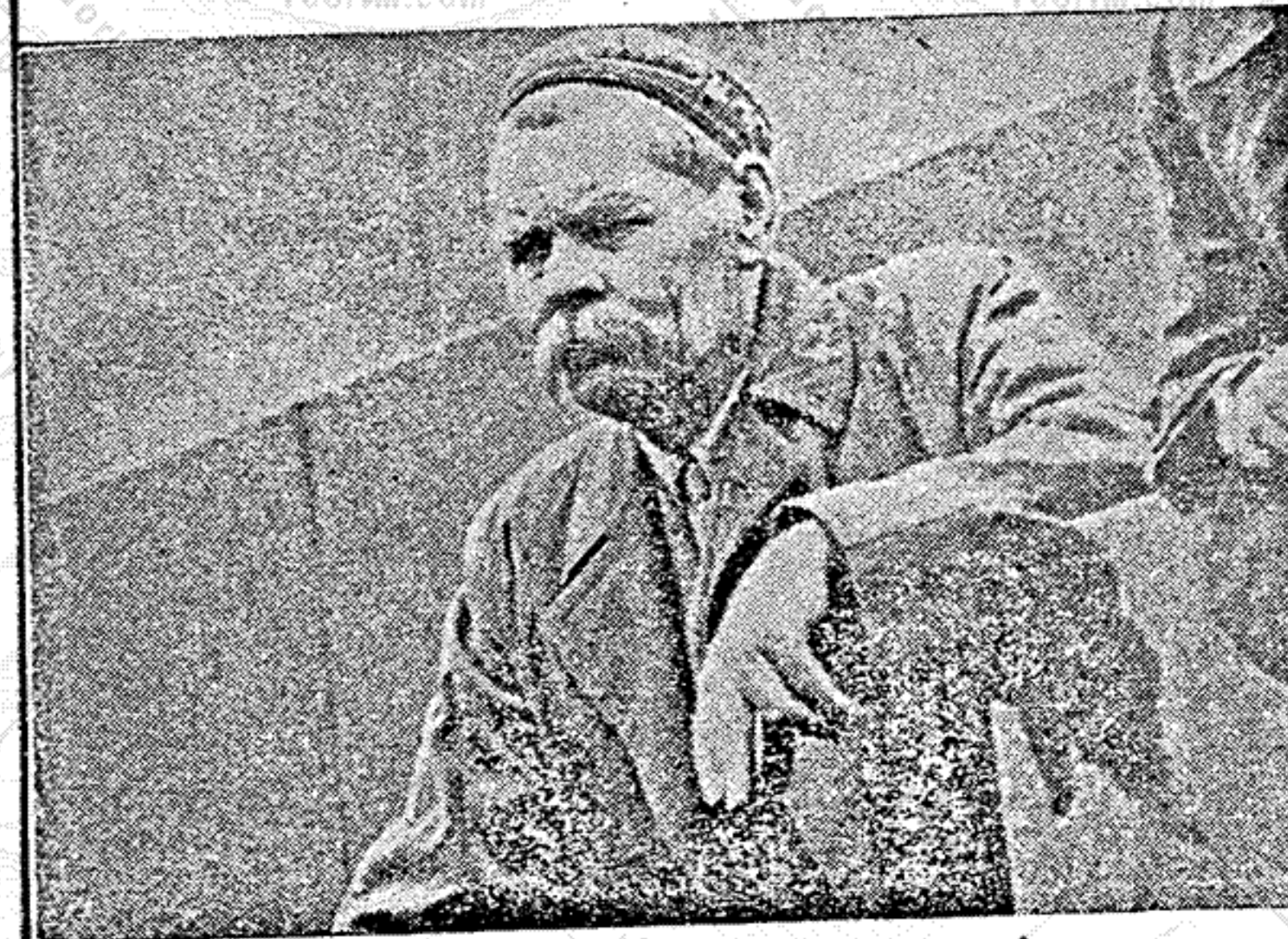
تهران - نمایش نامبرده در شب های جمعه ۳۱ خرداد و یکشنبه اول تیر در سالون کلوب سینای داده شد این نمایش که از کتاب انبیای یهود بایک طرز جالب توجهی اقتباس شده نمایشی است تاریخی اخلاقی و اجتماعی و بانوشتن این بیس این دفعه باز آقای سلیمان حثیم نویسنده بیس و رژیسور نمایش نبوغ فکری و ذوق موسیقی خود را بمنصه ظهور رسانیدند و علاوه بنا نورد دادند که دختران و پسران اسرائیل هم دارای استعداد و قریحه خوب برای دادن نمایشات میباشد دکورهای مجلل و لباسهای تاریخی و ویش پرده های خوب که توسط آقای نجمیان یکی از بهترین بیس پرده خوانان یهود تهران داده شد همچنین ارکستر جالب توجه موجب سرگرمی و خورسندی تماشاچیان شده بازیکنان عمدتاً عبارت بودند از آقایان - امین زاده خرمیان - خسروان - و دوشیزه حاخانی و حقانی که شاه رل را نیز بهمه داشت.

عالم یهود ماهواره موفقیت آقای سلیمان حثیم و کلیه بازیکنان این نمایش را از خداوند خواستاریم.



چنانکه قبلاً خبر دادیم پس از آنکه انجمن وزیران در مسکو بدون نتیجه پایان یافت بلافاصله معاونین آنها مشغول مذاکره و تبادل افکار گردیدند تاراه را برای مذاکرات دوباره آماده سازند.

برقراری که اطلاع یافته ایم اخیراً وزرای خارجه چهار دولت معظم امریکا روسیه، انگلیس، فرانسه در پاریس گرد آمده و راجع بسرنوشت دنیا مشغول گفتگو میباشند و از اخباریکه اخیراً رسیده است چنین مستفاد میگردد که اختلافات نسبت بقبل خیلی کمتر میباشد و امید سازش میروید عکس بالا هیئت مزبور در یک مهمانی که باقتضای آنان داده شده دیده میشوند.



در هفته گذشته در بیشتر ممالک عالم مجالس یادبودی بنسابت دهمین سال مرگ ما کسیم گورکی نویسنده بزرگ یهود شوروی برپا گردید عکس بالا ما کسیم گورکی را در جلوی مقبره لنین در سال ۱۹۳۲ نشان میدهد.

راه برو و خودت راه برو

(ایسرائل در دیامپورا)

هر کس در دنیا دارای هر علمی هست مدار دنیا را روی علم میداند فراموش نکرده اید که حتی موسیقی دان هم میگوید موسیقی نباشد دنیا از حرکت باز میماند.

روی این اصل کلی یا واقعاً با منطق و استدلال معقول بده عامی سیاسی از چندین سال قبل تا کنون بر این است که ضاد سازنده حکومت ها تنظیم کننده کارها بر قنار کننده نامات و قوانین اجتماعی است اقتصاد را معجون افلاطون و داروی درد بیدرمان میدانند آنها معتقد هستند به تغییر روش اقتصادی

دراطراف مالکیت

تهیه ابزار زراعتی از طرف بعضی از اشخاص باعث شد که زندگی ریه بشر بهم خورد و قرار شد محصول زمین بین صاحب ابزار و اراع تقسیم شود و باز تغییر این رویه و انحصار کردن زمین بنام اشخاص معین که آنها را مقدس یا زور آور میدانستند موضوع آقا و بنده (سرو - سنور) را بوجود آورد و وقتی که املاک بزرگ در اختیار یک خان قرار گرفت بندگی از بین رفت و فتو دالیه ظهور کرد بر چیدن بساط استبداد فتودالها بواسطه کار گاههای دستی بود که رعیتها کم کم برای خود وسیله اعاشه پیدا کرده دیگران را بمحصول کار خود محتاج کردند هر رعیتی که از دست فتودال عاجز شد برای خود دکان کفش دوزی پارچه بافی و غیره باز کرد.

زمانی که کارهای دستی بکارهای صنعتی ماشینی تبدیل گردید پیشه و ران از بین رفتند و موضوع سرمایه نقش اقتصادی را بدست گرفت و هر کجا اقتصاد هست سیاست هم بسا او است برای سرمایه قوانین و نظامات زیاد وضع کردند ولی اصل کلی در رژیم سرمایه داری این بود که هر کس میتواند از ابتکار و از سرمایه خود در حدود قوانین سرمایه داری به نحوه دموکراسی زندگی کند.

سرمایه های بزرگ کارخانه های بزرگ را بوجود آورد این کارخانهها تعداد بیشماری از مردمان زمان خود را بنام کارگر دور خود جمع کرد این کارگرها در روزهای اول که فقط مواجی میگردند و نمیتوانستند نان و آب خود را فراهم کنندراضی بودند رفته رفته کسانی در جامعه بشر پیدا شدند که سرمایه را با مقیاس کار کارگر اندازه گرفتند یعنی گفتند فلان عمارت بسا آنهمه زیبایی محصول کار فلان عده کارگر در فلان مقدار روز است پس ارزش آن عمارت مساوی با ارزش کار کارگرانی است که آن را بوجود آورده اند.

سرمایه دار اگر سرمایه خود را بکار بسته مصالح تهیه کرده هنری در بنای عمارت نداشته است.

تا این زمان حکومت های سرمایه داری دموکراسی متجددترین و عادلانه ترین حکومت های دنیا محسوب میشد در این وقت موضوع کارگر طرز نویسی پیا نمود و در دنیا یک مملکت پهناور وسیع مبنای حکومت و دولت خود را روی بازوان کارگران قرارداد سرمایه را بکلی زاید دانست و آن مملکت شوروی بود.

منطقی که در این کشور بکار برده میشود اینست که بشر حق ندارد بشر دیگری را بوسایل مادی استثمار کند و سرمایه

نباید جای کار برای صاحبش پول و رفاهیت بیاورد هر کس باندازه کاری که انجام میدهد از محیط استفاده کند.

بعد از جنگ بین المللی دوم که طبقات کارگر و زحمت کش دنیا یک نهضت کارگری که در اصطلاح سیاسی سوسیالیزم نامیده میشود بوجود آمد این موضوع امروز مترقی ترین طرز سیاسی جهان است در روزهای اول پیروزی این نهضت با شدت و حرارت خیلی زیاد جلوه نمود اینک که مدتی از خاتمه جنگ گذشته احساسات پرشور و تعصبات طبقاتی جای خود را داده عقل و منطق میسپارد،

موضوع سوسیالیزم هم دارد تعدیل میشود و مطابق اقتضای هر کشور و آداب و رسوم هر یک از ملل بشکلی در میآید در کشور ایران این نهضت و این سیر جبری باید بصورت مخصوصی تعدیل شود که با مذاهب موجوده مطابقت کند.

عقیده دونفر از بزرگان و پیشقدمان سوسیالیزم در دنیا در جائی که اقتصاد و تحولات اجتماعی را تعریف میکنند این است که «درجهش های طبقاتی قوه معنوی مداخله ندارد و سیر جبری اقتصاد سیر و تکامل جبری سیاست و طرز حکومت را رهبری میکنند»

کسانی که این جمله را سطحی تعریف و تفسیر میکنند عدم مداخله قوه معنوی در سیر جبری اقتصاد را گاهی بر عدم وجود قوه معنوی تعبیر کرده اند در صورتیکه ممکن است عقیده گوینده این بوده است که قوه معنوی در سیر اقتصادی مداخله ندارد نه اینکه قوه معنوی اصلاً وجود نداشته باشد.

مستراتلی نخست وزیر انگلستان دریکی از نطق هائی که اخیراً ایراد نموده گفته است که قوانین و نظاماتی میتواند بشر را اداره کند که از منبع روحانیت سرچشمه گرفته باشد. اگر ما کاملاً باین عقیده همراه نباشیم اقلاً باید معتقد باشیم که اگر قوای روحانی در امور اقتصاد و سیاست مداخله ندارد دلیل آن نیست که اصولاً قوه روحانی وجود نداشته باشد.

در کشور شوروی هم که پیروان همان قائم دین هستند ملاحظه فرموده اید که بعد از خاتمه جنگ دوم بین الملل برای هر یک از مذاهب موجود در کشور خود پیشوا و شیخ الاسلام و راب و خلیفه را مجاز دانستند و اجازه دادند که هر فرد بهر نحو که میخواهد خدای خود را ستایش کند و در ممالک شوروی دارد کلیسا و مسجد ساخته میشود.

پس سوسیالیزم بعد از جنگ اخیر باین مرحله رسیده که جز در مورد اعتقاد بوجود قوه روحانی بلا مانع است.

کسانیکه اطلاع کاملی از قوانین آسمانی ندارند اینطور فرض کرده اند که هر گونه جور و ستم و هر گونه استثمار بوسیله کارگران یا بوسیله سرمایه بدست کسانی که پیروان مذاهب هستند مجاز است در صورتیکه سوسیالیزم بمعنی و مفهومی که امروز دارد در انگلستان و فرانسه و بلژیک و ایتالیا و سایر ممالک اروپای غربی در میآید یک نوع سوسیالیزم ناقصی است از سوسیالیزم مقدس یهود و اسلام.

مطابق مندرجات کتاب توراة زمانی که قوم یهود وارد مقدس یهود و اسلام.

بقیه در صفحه ۶۸۶

گذشته و حال پایه آینده است

کسانی که فکر آینده نیستند بیگانگانی هستند که بدون اجازه پا در این جهان نهاده اند

(ر. خالبری)

تعلیمات اخلاقی یهود و اسلام

- ۴ -

خلاصه ای از مقدمه :

تبدیل به بشر بی تجربه و جاهل و وحشی گذشته نبایند و دنیائی ایجاد کنند که مطابق آرزوی بیجا و عقیده کهنه آنها شود آب درهاون سفتن است یکی از صفات و حالات طبیعی بشر جاه طلبی است که اگر تحت کنترل وجدان عقل قرار گیرد و از صورت غبطه و تحریک برای احراز مقام عالی تر تجاوز نکند گذشته از اینکه مضموم نیست پسندیده هست و برای پیشرفت تمدن ، لازمه عالم بشری است . همین حالت طبیعی (جاه طلبی) خود سبب آنست که بطور کلی فتناعت و سکوت و توقف و آرامش را از جامعه دور نماید و بشر را وادار کند که همیشه پیش رود و بمنظور رسیدن بوضع بهتر و رضایت بخشی اوضاع را عوض کند و ابزار و ادوات تازه ای که بمنزله مصالح زندگانی بشری است روی کار آورد .

بنا بر این اصل کلی باید متقاعد بود روزگار رو به جلو میرود و امروز فردا تبدیل میشود و تازگیهای دیگری روی کار میاید و گذشته تجدید نمیشود بلکه جزء تاریخ و آثار کهنه جامعه میگردد .

بشر دنیا می آید و میبرد باز طبق همین قاعده بشرهای دیگری بوجود میآیند ولی باین تفاوت فاحش که دلیل بر ذکر گون بودن اوضاع تمدن جهان است . ممکن است که ظاهر بدن اشخاص دیرروز و امروز و فردا مانند هم باشد ولی افکار ، حالت ، نیرو ، طرز تشخیص و قوای باطنی آنها که نتیجه تفاوت تمدن گذشته و آینده است فرق کند یک آدم دیرروزی که با شرایط خاصی پرورش یافته است نمیتواند با آدمهای فردا که تربیت و پرورششان تابع شرایط دیگری است زندگانی کند اینست که همیشه یک عده روشنفکر و پیش رو در راه ترقی با کهنه پرستان و آنها بیکدیگر میخوانند بر خلاف طبیعت از جلو رفتن ممانعت کنند در مبارزه همتند .

گذشته و اکنون برای آینده است و بایستی همیشه خود را برای آتیه آماده کرد زیرا گذشته با شرایط خودش گذشت ولی آینده با شرایط دیگری خواهد آمد همانطور که اوضاع و تمدن امروز روی پایه های تجربیات گذشته بالا آمده است و بشر امروز از سر گذشت و تغییرات گذشتگان پند گرفته و باصلاح وضع خود میرود از همانطور هم آینده بروی پایه های حال و گذشته بالا خواهد آمد در واقع میتوان گفت که گذشته و حال پایه های آینده است .

پس باید برای آتیه زنده بود و از امروز بایستی فردا را در نظر بگیریم و برنامه آنرا تهیه کنیم کسانی که فکر فردا نیستند و در انتظار تجدید اوضاع گذشته نشسته اند مردم این دنیا نباشند و غریب این جهانند و بیگانگان جامعه شناخته میشوند چون نیفهمد دنبال امروز فردا است و بایستی برای فردا کار کرد لذت نمیتواند در جامعه فعالیت کند و وظیفه خود را انجام دهند . بایستی از ایجاد و نفوذ این عناصر در جامعه جلوگیری کرد و با مبارزه شدید بر علیه آنها باید برنامه آتیه را تهیه نمود .

برنامه آتیه چیست در شماره بعد (داس)

دنیا پیش میرود و جامعه در ترقی است . اوضاع اجتماعی در اثر تحولات لازمه و جبری دگرگون میشود و هر روز وضع نو و منظره تازه ای ایجاد میگردد .

زمانی شا با اسب و الاغ و گاری و کالسکه مسافرت میکردید ولی امروز بوسیله ماشینهای برقی و راه آهن و قطار . روزگاری با روغن چراغ شهبای تار خود را روشن میشوید ولی اکنون با برق .

در گذشته نسبت بوسایل و ابزار لازمه زندگانی طوری دیگر میزیستید و توقعات و احتیاجات شما بهمان نسبت کمتر بود ولی امروز بعلت جلورفتن جامعه و ترقی علم و اختراعات و اکتشافات خواهشهای بشر بیشتر شده و احتیاجات زندگی فزونی تر گردیده است .

اگر خواسته باشید با وسایلیکه بشر در زمان گذشته کار میکرد و بسیرد امروز زندگی کنید مانند آنست که در سن پنجاه سالگی بسراغ کفش و لباس ایام پنج سالگی خود بروید و بخواهید با پوشیدن آنها بدن خود را بیارائید .

وقتی که از دنیای آینده گفته میشود و مردم ترا با اوضاع تازه آتیه متوجه میکنند عده ای میگویند « در دنیا چیزی تازه ای ندارد همه چیز بوده است » این اشخاص تا اندازه ای حق دارند ! چون کاملاً بی حقیقت نبرده اند مثلاً رادیو - تلویزیون - بسبب آنومی از روز ازل بطور تفکیک در طبیعت بوده است اما آنچه در فضا موجود است و برقی که در نتیجه اصطکاک و اثرات شیمیائی بدست میآید مواد اولیه سیم برق و شیشه و آلانیکه برای ساختن رادیو بکار میرود جدا جدا در طبیعت موجود بوده است .

ذره ناچیز آتم با انرژی عجیب آن وجود داشته موجود تازه ای طبیعت خلق نکرده و آن کاشف و مخترع مخلوق سیاه پویشی در دنیا بوجود نیاورده آنچه دیده میشود ماده اصلی آن در دنیا و طبیعت سابقه داشته است ولی ترکیب همان مواد اصلی اولیه بمنظور ایجاد نیروی تازه و موجود نوی برای استفاده ای که تاکنون بشر از آن محروم بوده مورد دقت و توجه است و برای مردم دنیا تازگی دارد . اینکه گفته میشود دنیا پیش میرود و اوضاع تازه میگردد و آینده از گذشته فرق دارد نه اینست که طبیعت عوض میشود و موجودات طبیعی از بین میروند و جای خود را بمخلوق تازه ای میدهند بلکه بواسطه توقعات و احتیاجات روز افزون بشری که یک حالت طبیعی و فطری است مصالح و وسایل زندگانی بشر در اثر صرف قوای معنوی و بکار بردن افکار عالی عوض میشود که طبعاً بشر زندگانی خود را تابع همان مصالح و وسایل نو قرار میدهد و مجبور است طرز رفتن خود را با آن وفق دهد .

کسانی که معتقدات خود را با اوضاع احوال روز تطبیق نکرده در انتظار ظهور معجزه و یا برکت تاریخ هستند و توقع دارند تمدن امروزی را بحالت دیرروز برگردانند و بشر متدین و کاشف و مخترع امروز را

- ۶۸۰ -

« برادران دینی مسلمان ما و همکیشان ما باید بدانند »
« که قوم یهود و اسلام هر دو از یک ریشه و نژاد بوده »
« و اصول مذهبی و تعالیم اخلاقی دینی آنان نیز فرق »
« بسیاری با یکدیگر ندارند ، و اگر گاهی اختلافی بین »
« این دو برادر ایجاد گردیده نتیجه سیاست غرض آلوده »
اشخاص معین و خاصی بوده است .

« ما سعی میکنیم این دو برادر از حسن سلوک و »
« مزایای برادری یکدیگر بر خوردار گردند »
۲ - یا ایها الذین آمنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا

اماناتکم و انتم تعلمون
ای کسانی که ایمان آورده اید خیانت بخدا و رسول و خیانت بامانات خود نکنید و حال اینکه شما میدانید که عذاب خیانت بسیار است (قرآن - انفال ۲۶) .

۳ - هر که امانت ندارد ایمان ندارد ، امانت روزی را زیاد میکند - (حضرت رسول ع)

۴ - از بدترین کارها آلودن دست بچیزی است که بتو سپرده باشند (حضرت علی ع)

۷- انتقام

یهود :

۱- چشم تو ترحم نکند ، جان بعوض جان ، چشم بعوض چشم و دندان بعوض دندان و دست بعوض دست و پا بعوض پا (توراة ل ۱۹-۲۱)

۲ - از ابنای قوم خود انتقام بگیر و کینه مورز و همسایه خود را مثل خویشتن محبت نما ، من من یهوه هستم (توراة ل ۱۹-۱۸)

۳ - مگو که از بدی انتقام خواهم کشید بلکه بر خداوند توکل نما و ترا نجات خواهد داد (حضرت سلیمان ع)

اسلام :

۱- و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس والعین بالعین والانیف بالانیف والاذن بالاذن والسن بالسن والجروح قصاص فمن تصدق به فهو كفارة له و من لم یحکم بما انزل الله فالولک هم الظالمون .

در توراة برای بنی اسرائیل نوشتیم که برای کشتن یک نفر یک نفر را بکشید و بجای چشم چشم و بینی به بینی و گوش بگوش و دندان به دندان و جراحتهارا مطابق قصاص کنند ، پس هر کس به بخشدن آن تصدیق کند همین کفاره است برای او و هر کس بچیزی که خدا فرود فرستاده حکم نکند از گروه ستمکاران است (قرآن - مائده - ۴۴)

۲- و لم انتصر بعد ظلمه فالولک ما علیت هم من سبیل - انما السبیل علی الذین یظلمون الناس و یبغون فی الارض بغیر الحق اولئک لهم عذاب الیم .

جزای هر بدی مطابق همانست پس هر کس در گذرد و صلح کند و جزا ندهد اجرش پیش خداست همانا که خدا ستمکاران را دوست نمیدارد و اگر کسی بر ستمکار پس از ستم کردن او

انتقام مجری دارد هیچ راه مؤاخذهتی بر آنها نیست ، راه مواخذه و عتاب بر آنها نیست که بر مردم ظلم کنند و در انتقام غلو نمایند . و در زمین بغیر حق افزونی جویند برای این گروه عذاب درد - ناک آماده است (قرآن - شوری - ۴۰ و ۴۱)

۸- انصاف

یهود :

۱- در عدل هیچ بی انصافی نکنید یعنی در پیمایش یا در وزن یا در پیمانه (توراة ل ۱۹ - ۳۵)

۲- در داوری بی انصافی مکن و فقیر را طرفداری منما و بزرگ را محترم مدار و در باره همسایه خود با انصاف داوری کن (توراة ل ۱۹ - ۱۵)

۳- اموال اندک که با انصاف گرد آمده باشد بهتر است از دخل فراوان بدون انصاف (حضرت سلیمان ع)

۴- انصاف کردن خرمی عادلان است - اما باعث پریشانی بر کاران میشود (حضرت سلیمان ع)

۵- خداوند عدالت و انصاف را دوست میدارد ، جهان از رحمت او پر است (حضرت داود ع)

اسلام :

۱- آنجا که هروت و انصاف نیست دیانت نیست ، از حقایق ایمان رعایت انصاف در حق مردم است ، پرهیزکارتر از همه مردم کسیست که حق را بر نفع یا ضرر خود بگوید (حضرت رسول ع)

۲- روابط و معاشرت ها بوسیله انصاف توسعه می یابد (حضرت علی ع)

۳- بنده تا انصاف ندهد ایمان او کامل نیست ، سینه و آقای تمام اعمال خوب انصاف دادن از خود میباشد ، هر کس فقیری را در مال خود مواسات کند و مردمانرا انصاف دهد حقاً مؤمنست (حضرت رسول ع)

۴- هر کس انصاف روا دارد و آنچه حق است بگوید خدا عزت او را زیاد کند (حضرت علی ع)

۵- اشد چیزها که خدا بر خلقش واجب کرده سه چیز است که اول آنها انصاف است ، هرگز دوتن در امری نزاع نکنند که یکی از آنها برای دیگری انصاف بسدهد او از وی قبول نکند مگر اینکه آن دیگری مغلوب میشود .

خدا بهشتی دارد که جز سه طایفه وارد آن نمیشوند و یکی از آنها کسی است که در حق خود حکم بصدق نماید (حضرت جعفر صادق ع)

۹- بدخواهی

یهود :

۱- اگر را لعنت مکن و پیش روی کور سنک لغزنده مگذار و از خدای خود بترس ، من یهوه هستم (توراة ل ۱۹-۱۴)

۲- هر کس برای دیگری خیره ای بکند خود در آن خواهد افتاد و هر که سنگی بغلطاند بر او خواهد برگشت (حضرت سلیمان ع)

- ۶۸۱ -

اورشلیم - ضمن کنفرانس مطبوعات دکتر ژوزف عضو هیئت عامله و مدیر اداره سیاسی آژانس یهود اظهار داشته که برای اجرای نقشه سکونت یکصد هزار یهودی تقریباً ۳۰ میلیون لیره انگلیسی و جهلازم است و بعد اضافه نمود که آژانس یهود بزودی بدول امریکائی و انگلیسی اطلاع خواهم داد که پس از یکماه مطالعات خود را در اطراف گزارش کنیسیون مختلط تکمیل نموده و پاسخ لازم را ارسال خواهد نمود. ضمناً دکتر ژوزف خبر داد که بمناسبت تولد پادشاه انگلستان از دولت انگلیس تقاضا کرده که چند نفر از زندانیان سیاسی یهودی را که مدت چند سال است که محبوسند معفو و مستخلص نمایند.

لندن - (پالکور) ضمن مصاحبه ای که خبرنگار روزنامه (دیلی میل) با قلوب پاشا فرمانده انگلیسی هنگ عرب بعمل آورد نامبرده راه حل زیرین را برای مسئله ۱۰۰۰۰۰ مهاجر پیشنهاد کرد:

- ۳۰۰۰۰۰ آمریکا
- ۲۴۰۰۰۰ فلسطین
- ۲۶۰۰۰۰ فرانسه و امریکای جنوبی

و بعد گفت این راه حل مورد موافقت کلیه اعراب است اما اگر بخواهند اصرار کنند که تمام این صد هزار نفر در فلسطین جایگیر شوند آنوقت اعراب از روسیه استمداد خواهند نمود. محافل اسرائیل معتقدند که این راه حل مضحک هم یکی از حقه بازیهای سیاست دولت انگلیس است.

تل آویو - طبق اظهارات مدیر روزنامه (هیوفر) دولت فلسطین تصمیم دارد کلیه آلمانیهای مسیحی فلسطین را که عضو حزب نازی بوده اند اخراج و به آلمان عودت دهد و چون کلیه آلمانیهای مسیحی فلسطین وابسته به سازمان نازیها بوده اند باینجهت تمامشان مشمول این اقدام دولت خواهند شد.

اورشلیم - دکتر کاپلان رئیس اداره مالی آژانس یهود جزئیات نقشه پذیرفتن صد هزار مهاجر را بشرح زیرین بیان نمود:

- ۲۵ درصد از این عده اطفال خواهند بود که قطعاً چهار تا ۵ درصد آنها بیمار و احتیاج بیزشک خواهند داشت.
- ۱۵ درصد بصلاح خواهند پرداخت زیرا فعلاً احتیاج فوق العاده ای بکشاورزی داریم.
- ۴۰ درصد در شهرها و دهات جای داده خواهند شد و روی این اصل (منازل مهاجرین) که محل سکونت موقتی آنان است توسعه داده خواهد شد و نیز یک نفر از نابیندگان بخش فنی آژانس یهود فوراً بسوئد خواهد رفت که چند تا منزل چوبی قابل حمل و نقل خریداری نماید.

بطور خلاصه ورود این صد هزار نفر مبلغ ۳۰ میلیون لیره انگلیسی خرج دازد که مقداری از آنرا یهودیان فلسطین و بقیه را اسرائیل های امریکا و سایر قطعات جهان خواهند پرداخت.

مهاجرت یهودیان به فرانسه و انگلیس



فلسطین

خبر میدهد

اورشلیم - کنیسیون صنعتی امریکا مطالعات خود را در فلسطین بیان رسانیده و اظهار داشته که فلسطین قابلیت ترقی صنعتی فوق العاده زیادی دارد و بسیاری از سرمایه داران امریکائی عنقریب سرمایه های هنگفتی برای توسعه صنعت در فلسطین بکار خواهند انداخت.

- ۱ - تخلیه فلسطین از وجود نیروهای انگلیسی
- ۲ - جلوگیری از مهاجرت یهودیان و فروش زمین بایشان
- ۳ - قانون اساسی برای تاسیس یک کشور مستقل عرب در فلسطین

تل آویو - انجمن دوستان دانشگاه عبری در تل آویو ۱۱۰۰۰ عضو دارد حال اینکه در سال ۱۹۴۳ فقط ۱۲۲۵ عضو داشت سال گذشته عایدات دانشگاه از این راه ۲۵۰۰۰ لیره بود و امسال بالغ بر ۳۰۰۰۰ لیره شده.

اورشلیم - آقای موشه شرتوک و آقای برل لاکر در یکی از انجمنهای سوسیالیستها حضور بهم رسانیده و بنام (کارگران فلسطین) صحبت کردند آقای لاکر منویات کارگران ارض اسرائیل را بیان نمود و آقای شرتوک وضعیت کنونی یهودیان را از نقطه نظر صیونیسیم بین المللی تشریح کرد و سایر نمایندگان هم از او پشتیبانی نمودند.

تل آویو - دو کشتی کوچک (فند) و (فینس) که از لاسیازیا تحت ریاست (الیاهو گلب) عزیمت نموده بودند وارد حیفا شدند و ۱۰۱۴ مهاجر آن بکمال سلامت داخل اردوگاههای مختلفه آژانس یهود یعنی (حدریا) و (قریت شوتل) و (بت گلیم) شدند اردوگاه (آلتیت) در چند روز قبل توسط مسافرن کشتی (ماکس نوردو) پر شده بود و دیگر گنجایش نداشت.

خوانندگان محترم بخاطر دارند که فراریان بدبخت آلمانی باچه مصائبی وارد ایتالیا شده و باچه مشقاتی توانستند بالاخره گواهینامه مهاجرت را تحصیل و بر کشتی های فوق الذکر سوار شوند و حال که وارد ارض اسرائیل شده اند تمام (یشوو) از دخول ایشان فوق العاده مسرورند. نمایندگان (آژانس یهود) و (وعد هالتومی) و (قرن هیسود) و (هستدروت) واردین را تهنیت و شادباش گفتند.

اکثر این جمعیت جوانان حکومتی بودند که از لهستان و رومانی و لیتوانی و غیره آمده اند و گواهینامه مهاجرت خود را از آژانس یهود رم بدست آورده اند.

مقامات کشوری خیلی نسبت بواردین اظهار مرحمت نمودند و یکی از مهاجرین بیک نفر از روزنامه نگاران گفت «شما نمیدانید در ظرف این هفت ساله چه مصائب و بدبختیهای بر سر ما آمده مخصوصاً در این سه ماه آخر که منتظر کشتی برای ورود ببارس اسرائیل بودیم» اورشلیم - در شب (۳۳ عمر) هزاران پرسرو دختر که اعضای

نهشت جوانان اورشلیم بودند در صحن دانشگاه عبری جمع شده نسبت باهالی کلنی (بیریا) که در زندان بودند اظهار همدردی نموده و خبر میدهند از ورود مهاجرین تازه بفلسطین متتاهای خوشحالی را از خود بروز داده و در سر تپه آتش روشن کردند و بعد اقدام برای درختکاری در کلنی آغاز گردید.

تل آویو - تمام اسرائیلیهای تل آویو از صبح تا عصر در بخش ورود فوق العاده زیادی دارند و بسیاری از سرمایه داران امریکائی عنقریب سرمایه های هنگفتی برای توسعه صنعت در فلسطین بکار خواهند انداخت.

اورشلیم - در جلسه هیئت عالی عرب تصیبات زیرین اتخاذ گردید:

۱ - تخلیه فلسطین از وجود نیروهای انگلیسی

۲ - جلوگیری از مهاجرت یهودیان و فروش زمین بایشان

۳ - قانون اساسی برای تاسیس یک کشور مستقل عرب در فلسطین

تل آویو - انجمن دوستان دانشگاه عبری در تل آویو ۱۱۰۰۰ عضو دارد حال اینکه در سال ۱۹۴۳ فقط ۱۲۲۵ عضو داشت سال گذشته عایدات دانشگاه از این راه ۲۵۰۰۰ لیره بود و امسال بالغ بر ۳۰۰۰۰ لیره شده.

اورشلیم - آقای موشه شرتوک و آقای برل لاکر در یکی از انجمنهای سوسیالیستها حضور بهم رسانیده و بنام (کارگران فلسطین) صحبت کردند آقای لاکر منویات کارگران ارض اسرائیل را بیان نمود و آقای شرتوک وضعیت کنونی یهودیان را از نقطه نظر صیونیسیم بین المللی تشریح کرد و سایر نمایندگان هم از او پشتیبانی نمودند.

تل آویو - دو کشتی کوچک (فند) و (فینس) که از لاسیازیا تحت ریاست (الیاهو گلب) عزیمت نموده بودند وارد حیفا شدند و ۱۰۱۴ مهاجر آن بکمال سلامت داخل اردوگاههای مختلفه آژانس یهود یعنی (حدریا) و (قریت شوتل) و (بت گلیم) شدند اردوگاه (آلتیت) در چند روز قبل توسط مسافرن کشتی (ماکس نوردو) پر شده بود و دیگر گنجایش نداشت.

خوانندگان محترم بخاطر دارند که فراریان بدبخت آلمانی باچه مصائبی وارد ایتالیا شده و باچه مشقاتی توانستند بالاخره گواهینامه مهاجرت را تحصیل و بر کشتی های فوق الذکر سوار شوند و حال که وارد ارض اسرائیل شده اند تمام (یشوو) از دخول ایشان فوق العاده مسرورند. نمایندگان (آژانس یهود) و (وعد هالتومی) و (قرن هیسود) و (هستدروت) واردین را تهنیت و شادباش گفتند.

اکثر این جمعیت جوانان حکومتی بودند که از لهستان و رومانی و لیتوانی و غیره آمده اند و گواهینامه مهاجرت خود را از آژانس یهود رم بدست آورده اند.

مقامات کشوری خیلی نسبت بواردین اظهار مرحمت نمودند و یکی از مهاجرین بیک نفر از روزنامه نگاران گفت «شما نمیدانید در ظرف این هفت ساله چه مصائب و بدبختیهای بر سر ما آمده مخصوصاً در این سه ماه آخر که منتظر کشتی برای ورود ببارس اسرائیل بودیم» اورشلیم - در شب (۳۳ عمر) هزاران پرسرو دختر که اعضای

نهشت جوانان اورشلیم بودند در صحن دانشگاه عبری جمع شده نسبت باهالی کلنی (بیریا) که در زندان بودند اظهار همدردی نموده و خبر میدهند از ورود مهاجرین تازه بفلسطین متتاهای خوشحالی را از خود بروز داده و در سر تپه آتش روشن کردند و بعد اقدام برای درختکاری در کلنی آغاز گردید.

تل آویو - تمام اسرائیلیهای تل آویو از صبح تا عصر در بخش ورود فوق العاده زیادی دارند و بسیاری از سرمایه داران امریکائی عنقریب سرمایه های هنگفتی برای توسعه صنعت در فلسطین بکار خواهند انداخت.

اورشلیم - در جلسه هیئت عالی عرب تصیبات زیرین اتخاذ گردید:

اخبار قیرن قیمت

عقیده روزنامه فلسطین پست راجع آزادی ماوراء اردن

اورشلیم - روزنامه «فلسطین پست» مینویسد: یکقطعه زمینی بساحت ۳۰ هزار میل مربع که اغلب از بیابان تشکیل یافته و ۳۵۰۰۰۰ نفر جمعیتش تمام اعراب بدوی و چادر نشین میباشد اینک موسوم به (کشور پادشاهی) شده است شاید تصور فرمایند که مردم این سرزمین از این واقعه خوشحالند در صورتیکه چنین نیست و اهالی ماوراء اردن نه خود را سرافراز و نه خوشحال میدانند بلکه از تشریفات مخصوصی که برای (امیر عبدالله) در (نصر بوکینهام) بعمل آمده خیلی نگران میباشد هر چند که تمام اهالی این کشور اشخاص ساده و هششاد درصد بی سوادند مع هذا همان بیست درصدی که تحصیل کرده هستند چندان بختکی در عالم سیاست ندارند ولی با وجود اینها مثل اینکه همه ملت آنسامان فهمیده و حس کرده اند که در پشت این تشریفات ظاهری پرده های دیگری بازی میشود و دستهای دیگری در کار است.

اورشلیم راجع بعد حضور نمایندگان رسمی سوریه در جشن تاجگذاری امیر عبدالله تفسیرات مختلفی می کنند گویا دولت سوریه بدایره گذرنامه شهزبانی خود دستور داده بود که هیچ وزیری خروجی از برای مسافرت از سوریه بمان صادر نگردد و مقصودش این بود که وکلای مجلس و روزنامه نگاران بدانجا نروند.

باید دانست که دولت سوریه نسبت بسیاست امیر عبدالله خیلی نگران است زیرا نامبرده خیال دارد (سوریه کبیر) را تشکیل دهد یعنی رژیم جمهوری کنونی سوریه را ساقط و تاج و تخت هاشمی را بدست منتقل نماید.

لندن - آقای کراسمان یکی از اعضای کنیسیون مختلط در روزنامه (ملت و مردم سیاسی جدید) علل تفرقه ملل عربی را شرح داده و میگوید که فقط اتحاد آنها برای مبارزه با صیونیسیم است و گرنه در باطن تقار و کشمکشهای زیادی بین آنها حکم فرماست.

«بهترین اشکالات مادر خاورمیانه همانا تمایل انگلیسهاست برای حفظ آنچه که در تمدن عرب رواج یافته است و تنفرشان از هرگونه عقیده جدیدی که کمتر بصره شان باشد»

این عرب دوستی از روی صداقت و حقیقت نیست بلکه يك آنتی سمپتیسیم سرپوشیده ای است که برای اعراب بیش از اسرائیل صدمه دارد.

کارکنان وزارت امور خارجه انگلیس زودتر میتوانند آن عرب کوتوله ای را که مهار سیاست عرب بدست او است رام خود کنند تا سیاسیون سوسیالیست آژانس یهود را ۰۰۰۰ ولی بدیهی است که هیچگاه ممکن نیست تشریک کامل بین عرب و انگلیس روی این قبیل پایه ها برقرار شود آزادی که بکشورهای عربی داده شده نه از لحاظ این است که واقفان استحقاقش را داشتند بلکه برای این بود که سیاسیون و خوانین عرب را نسبت بخود دلگرم سازند ولی کتاب سفید (که برای همین منظور تهیه شده بود) نتوانست اعتماد اعراب را بخود جلب نماید.

در بیابان اضافه مینماید که هر چند اتحادیه اعراب برای این ایجاد شده که از امپراطوری دفاع کند مع هذا امروز خود باعث خطر گردیده چون اعراب همه روزه تقاضای جدیدی نموده و در مطالبه آن با فشاری بخرج میدهند

قلم : موشه بیرلین
و ابراهام اسرائیلی

کیبوسا

ترجمه : المازار
کهن صدق

- ۳ -



۲ نفر بانوی کشاورز هنگام کار در کیبوس

خیلی ها دور چادرشانرا گل کاری کرده اند که منظره جالب توجهی تشکیل داده است.
در یکی از کلنی هائی که خیلی مترقی بشمار میرود و در آنجا صنعت آجر سازی پیشرفت زیادی نموده چادرها روی یک پایه سمنی و کف آجری بلند میشوند در تاستان موضوع منازل چندان سخت نیست چون چادرها در جای نسبتاً خنکی میباشد ولی در زمستان و فصول بارانی باید حتماً آنها را تخلیه نمود و ساکنین آنها ناچار باید با طاقهای چوبی پناهنده شده و بر عده اشغال کنندگان آنها بیافزایند.

عمارتی که در جوار اطاق خوراک خوری قرار دارد معمولاً بجای قرانتخانه است ساختمان و طرز قفسه بندی و تعداد کتابهای موجود در آنها بسته به میزان کلنی است ۰۰۰۰ در بعضی کلنی ها کتابخانه را در کوملانی قرار داده اند که فقط چند قفسه دارد و تعداد کتابها و مجلاتش زیاد نیست ولی در بعضی آبادانیهای دیگر کتابخانه ساختمان زیبایی دارد با صدلی های راحتی و تعداد زیادی کتاب بچندین زبان و مجلات عکسی گوناگون و چراق برق و غیره ...

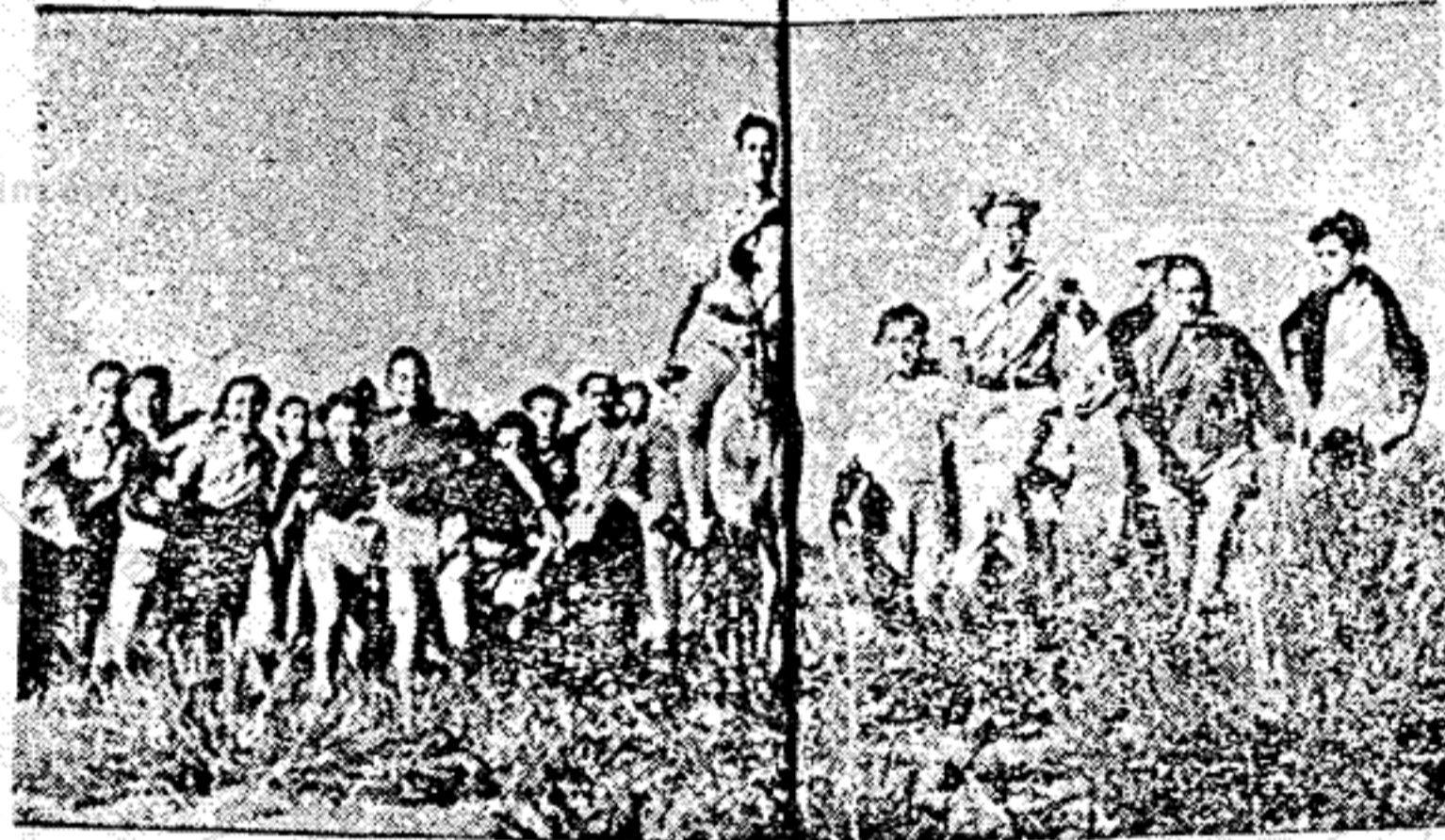
معمولاً در کتابخانه میتوان پی برد که چه نوع اشخاصی در این کلنی وجود دارند چون سرهمرفته از روی ذوق اشخاص میشود که در اطراف آنها قضاوت نمود.
ابهت سالون کنسرت هم بر اثر استطاعت هر کلنی تفاوت میکند و بیاد دارم که در یکی از کلنی ها سالونی دیدم که نظیر سالونهای لندن بود و بیابانوی بزرگی داشت که از طرف یک نفر از متولین که بدیدن آنجا آمده بودند اهداء شده بود و کف سالون چنانرا کس زده شده بود که برق میزد و قالیهای فوق العاده زیبایی در آن فرش بود و سایر وسائلش هم عالی بود.
دیوارهای منجر کش را بسرعت میشد برداشت تا بتوان

در هوای آزاد کنسرتها را منعقد نمود چیزی که بر این کنسرتها افزوده میشد همانا معروفیت آن محل بود زیرا جویباری که از کنارش میگذشت همان رودخانه ای بود که «گید عون» چند هزار نفر از سبایان را بنا بر بردن آب از آن آب بنوشند و هر کدامشان که مثل حیوانات سرخوردن آب بردند طرد گردیدند ولی هر کدام که مانند آدمیزاد دست خود را شسته آب را مشت کرده و نوشیدند انتخاب گردیدند و عده انتخاب شدگان فقط سیصد نفر بود.
از مطلب دور نیفتیم صحبت از سالونهای مجلل بود که متأسفانه در هر کلنی چنین ابهت و شکوهی را ندارد در بعضی آبادیها «جبریم» را دیدم که با کمال دقت گوش بصفحه گرامافون داده بودند اما سالونشان عبارت از اطاقی چوبی بدون اثاثیه بود و صدایشان هم نیمکتهای سفت بیش نبود.

مغازة لباس فروشی و کفاشی و رخت شویی و انبارها و دیرخانه در قسمت دیگر آبادی ساخته شده و غالباً عبارت از بناهای چوبی میباشد -
کلنی دارای همان قسمت هائی است که بهترین دهات اروپا یا امریکا دارنند از قبیل: اصطبل و مرغدان و طولیه و انبار و مخزن و سیمی که جایگاه جمع آوری محصولات میباشد.
در اطراف آبادی کشتزارها و درخت زارهای متعددی یافت میشوند که با حوالی مجاور خود فرق بسیاری دارند -

نیتوان باور نمود که این جزیره های سبز در میان این اقیانوس بیابانی چه منظره ای تشکیل میدهند مسافری که اطلاعات کافی نداشته باشد وقتی که فرق خیلی زیاد بین مزارع عربها و کشتزار اسرائیلهارا می بیند تصور میکند که یهودیان در بهترین قسمتهای حاصلخیز زمین سکنی گزیده اند در صورتیکه حقیقت امر این است که بیست سال قبل همان زمینها بقدری لم یزرع و متروک و بیابانی بودند که حوالی اطراف آنها فعلاً هستند و فقط نبوغ فکری و استعداد و ابتکار و جدیت و پشتکار ملت اسرائیل بود که این زمینها را آباد و قابل کشت و زرع نمود.

در هر جا که قدم گذارند نخست مساعی فوق العاده ای برای تهیه آب بعمل آوردند اعم از حفر چاههای آرتزین یا حفظ آب باران یا کندن ترعه هائی برای ورود آب قنوات و جویبارها جهت آبیاری و غیره ...
زیرا آب در فلسطین علامت وجود کلنی اسرائیل است جایی که آب کم باشد کلنی ۶۰۰ جریب زمین لازم دارد تا



جوانان «عمق حفر» با کمال خوشحالی بطرف خلیج «ابوزورا» (کلنی مشیرت) برای کارکنان آن کلنی میروند

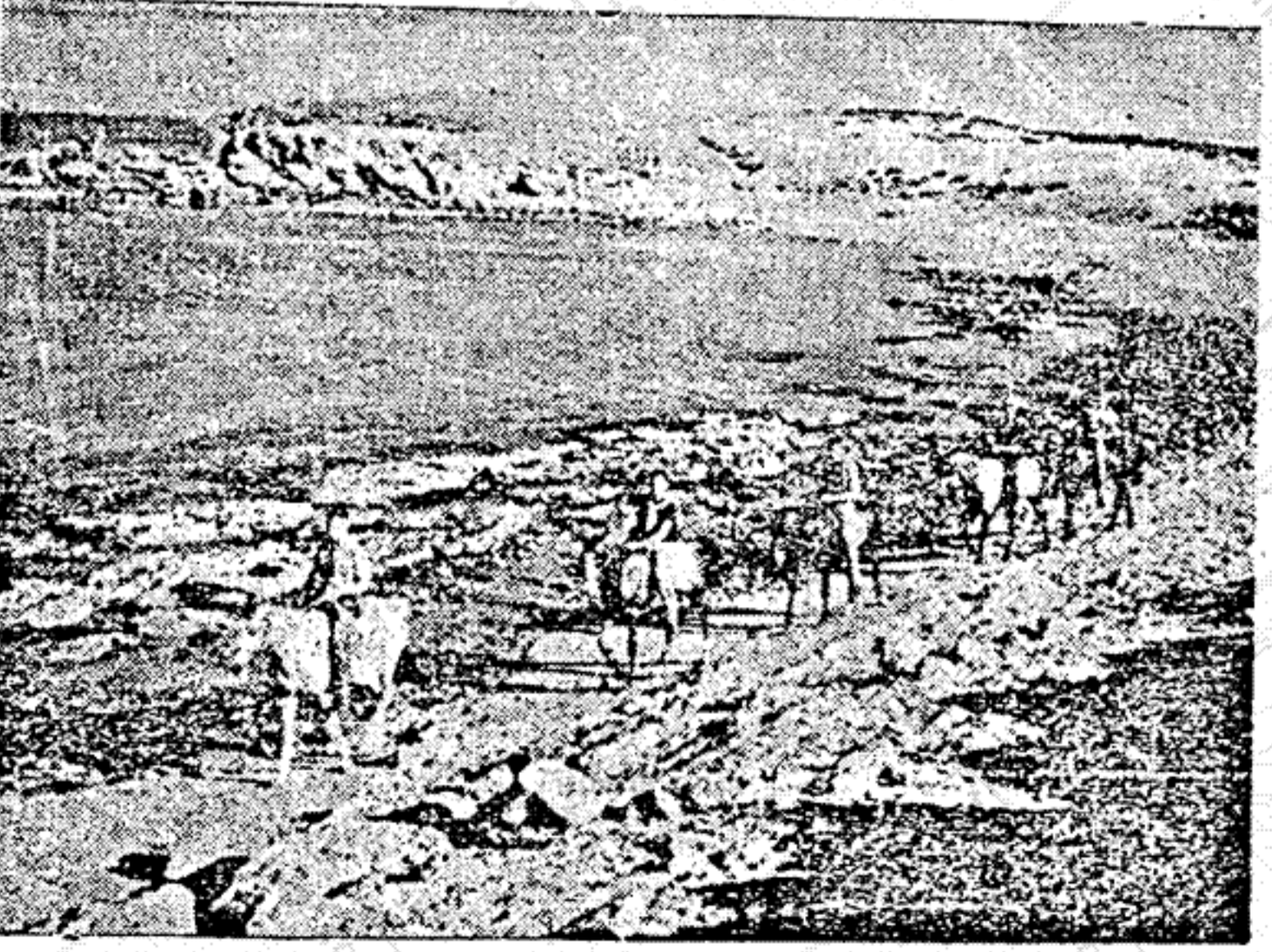
بتواند احتیاجات صد نفر از ساکنین خود را بر آورده نماید ولی اگر در مجاورت نهر آبی قرار داشته باشد ۱۵۰ جریب زمین برای زندگی یکصد نفر بخوبی کفایت میکند
هروقت که آبادانی ای توانست با کمال موفقیت چاه آرتزین حفر نماید مقداری از آب آنرا با اختیار ده عرب مجاور میگذازد و به همین دلیل روابط صمیمانه و دوستی پابرجائی بین کلنی های اسرائیل و دهات عرب نشین مجاورشان برقرار میگردد
بطوریکه نگارنده مشاهده نمود در بعضی مواقع که اغتشاشات سختی حکفرما بود باز هم عربهای دهات همسایه گله های خود را در قنوت اسرائیل سیراب میکردند
سطح زندگی هر آبادی بر اثر قدمتش تفاوت میکند در سالهای اولیه این میزان خیلی پائین بود و ساکنین آنها ناچار بودند که فداکاریهای فوق العاده ای بنمایند.

کارهای خیلی سخت و اوضاع خوردن و خوابیدن بینهایت متعسر و فقیرانه بود و کوچکترین تفریحی هم وجود نداشت ولی با اصطلاح مزبور داود: با اشک میکارند و با ترنم درو مینمایند
هر سالی که میگذشت بهیچودی پیش میآمد بطوریکه پس از پنج سال میتوان گفت که سطح زندگی آن آبادی بدرجه طبقه متوسط کشور میرسید -

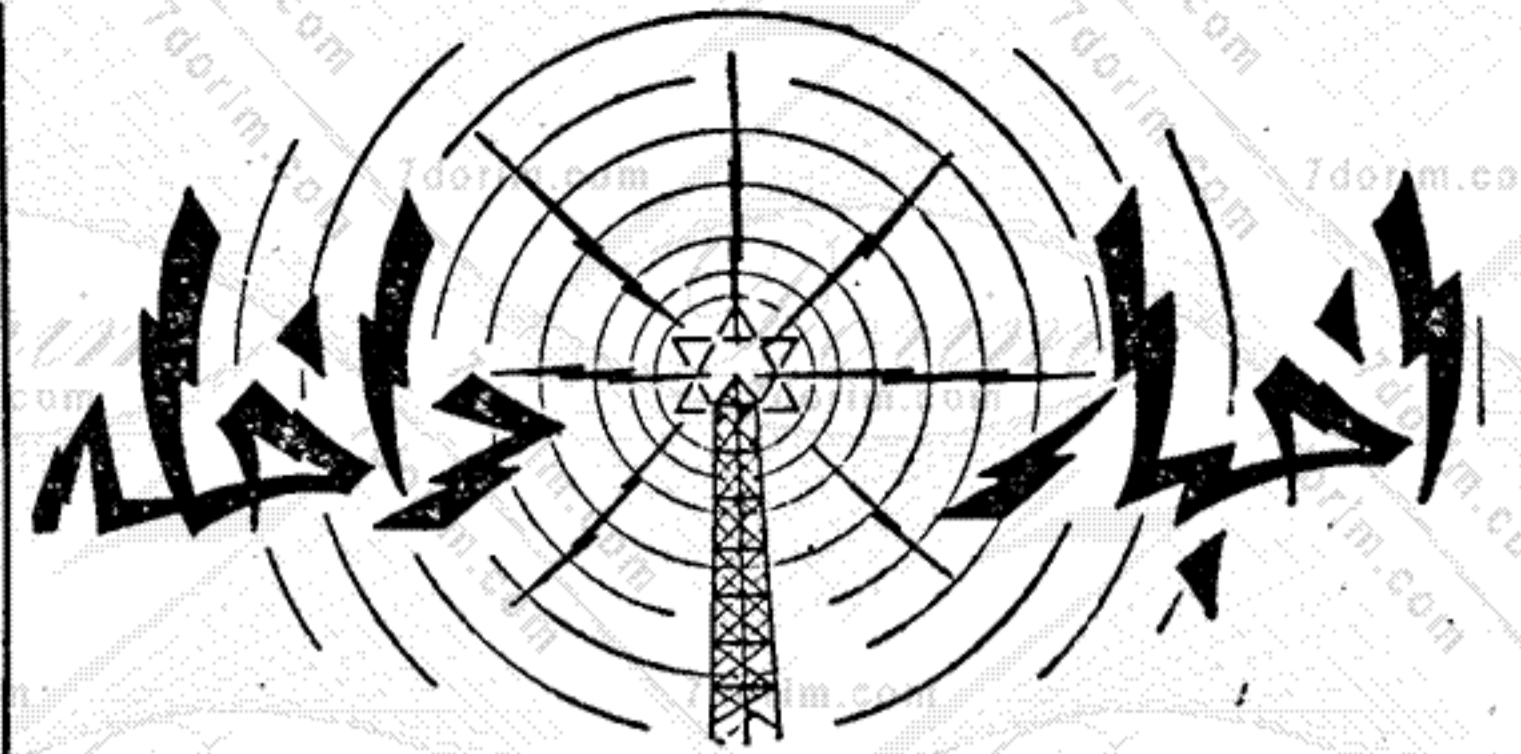
یکی از ارقام عمده مخارج ها تانربیت فرزندان و مواظبت آنها بود بطوریکه هیچ صنعتگر یا کاسبی نمیتوانست اولادهای خود را آنطور پرورش دهد که اطفال اسرائیل در کلنی ها تربیت میشدند.
سطح زندگی یک نفر از ساکنین این آبادیها را بخوبی میتوان با اوضاع کارگران کشاورزی کشورهای مترقی مقایسه نمود و ضمناً میتوان گفت که سطح زندگی «حلو صیم» بهتر از اوضاع کارگران مورد گفتگو میباشد.

در هیچ کجای فلسطین مسافت زیادی بین آبادی هانست بطوریکه کلنی ها خیلی از شهرها دور نیستند در روزهای تعطیل افراد آبادانیها میتوانند با سانی شهر رفته و دوستان و اقوام خود را زیارت کرده و مراجعت نمایند و در این صورت کلنی و جوه لازم را با اختیار ایشان خواهد گذارد که مخارج شخصی خود را بنمایند البته معلوم است که اگر تمام بخواندهر هفته چنین مسافرت هائی را بنمایند با اوضاع مالی کلنی ها شکست جبران ناپذیری وارد خواهد آمد و باینجهت اشخاصی را دیدم که هر گز هفته یا سه هفته ای یکمرتبه بشهر میرفتند.

نگارنده هیچوقت با قطار یا اتوبوس مسافرت نکردم (خواه از شمال بجنوب یا از مشرق بغرب) بدون اینکه مقداری از (حلو صیم) را در بین مسافرتین به بینم بطوریکه در تمام رستورانهای اشتراکی حیفا و تلآویو همیشه دیده میشدند
در بعضی کلنی ها مسئله سیگار خیلی مشکل بوده بطوری که ناچار آنرا جیره بندی نمودند -
در کلنی های قدیمی که هر کس هر مقدار سیگار بخواهد میتواند دریافت دارد باید دانست که جنس سیگارهای خیلی پست است. وقتی که یکی از اعضای کلنی احتیاج به یک شیتی و تجملی داشته باشد باید نخست سری به صاحب مغازه بزند - یکی از کلنی ها را سراغ دارم که مغازه تجمل فروشی آن از صبح تا عصر و هفته ای سه مرتبه هم شبها باز است و شبها بیازاری دارد که همه چیز در آن میفروشند با این تفاوت که اعضای کلنی هر چه لازم داشته باشند بدست میآورند اما پولی در ازاء آن نمیدهند - صابون - مسواک - گرد و خمیر دندان - یدکی ریش تراشی - فورچه - قلم - مداد - کاغذ سیگار - کبریت - زیر سیگاری چراغ - قتیله و غیره ... تمام اینها را با کمال دقت و نظم ولی مجاناً توزیع میکنند و شخص موزع انبار داری با عرضه و فهمیده و در عین حال سختی و بذال است. مسلماً اگر کسی آمد و فرضاً ماشین ریش تراشی خواست حال اینکه شب قبل یکی از آنها دریافت داشته بود فوراً از او توضیح میخواهند یا اگر یکی از ساکنین (خوب بیاد دارم که چنین اتفاقی افتاد) بیاید و بگوید که دیروز لوله چراغم شکسته و یکی دیگر باو بدهند و باز هم فردا و پس فردا تا شش روز متوالی چنین تقاضائی بکنند بدیهی است که انبار دار ابرو در هم کشیده و بد اخلاقی نشان داده و نسبت باین شخص و لخرج قرقر میکند ولی هیچ نوع دفتر و کتاب و چونه و چکشی یا شکنجه و تئیبهی در کار نیست و کافی است فقط تقاضا کند تا هر چه میخواهد باو داده شود و خیلی بندرت اتفاق میافتد که کسی چیزی را داشته باشد و بیاید باز هم از آن تقاضا نماید این موضوع شباهت کاملی بقضیه اسرائیلهای عهد حضرت موسی در بیابان را دارد که فقط آن قسر (مان) بر میچیدند که لازم داشتند. (بقیه دارد)



روسای (حلو صیم) کارگران مشیرت بطرف خلیج «ابوزورا» برای بازدید خرابیهای تاریخی بندر قدیم میروند



تقسیم عایدات نمایش استر و مردخای

بقرار اطلاعی که بدتر عالم یهود رسیده است آقای سلیمان حیم مؤلف نمایش نامه (بارگاه خشیارشا) یا استر و مردخای که در پوریم گذشته در باشگاه سینای روی صحنه گذاشته شد در آمد خالص نمایش را تقسیم کرده و بمصارف مختلف رسانده اند.

از آن جمله مبلغ ۷۰۰۰ ریال بصندوق انجمن اغودت حیم و ۳۰۰۰ ریال بصندوق کنیسیای مرحوم عزرا و ۳۰۰۰ ریال بصندوق عالم یهود و ۳۰۰۰ ریال به تشکیلات صوینت و ۲۰۰۰ ریال بصندوق انجمن روحانی داده شده و در حدود ۳۰۰۰ ریال هم در ایام عید فصح بین بعضی اشخاص بی بضاعت تقسیم گردیده است. با اینکه در درستی و امانت آقای حیم تردیدی نیست و دفتر عالم یهود اقل از وصول سهمیه خود مطمئن میباشد بدین وسیله توجه سایر آقایانی را که متصدیان صندوقهای نامبرده میباشند بدین خیر جلب مینمایم تا در صورت وجود اختلاف در ارقام فوق یا عدم صحیح جزء یا کل این خبر دفتر عالم یهود را مطلع فرمایند.

کلوب ورزشی در اراک

اراک - اخیراً کلوب ورزشی اسرائیلی اراک تحت سرپرستی آقای فرج الله طیبیان تأسیس و مشغول کار شده است. فعلاً بطور موقت تا تعیین محل مناسبتری در محوطه منزل آقای شهاب نصرتی صبح و عصر ها ورزش اشتغال دارند. علاوه بر والی بال که فعلاً زیاد بازی میشود برای سایر ورزشها در نظر است که وسائل کار بیشتری فراهم گردد. بعلاوه در نظر دارند که نام کلوب را ضمن شرکت کنندگان مسابقات ثبت و در تمام مسابقات شرکت نمایند. عالم یهود - ما همواره موفقیت این جوانان ورزشکار را خواستاریم.



ناصر روغنی

دانش آموز کلاس پنجم
ابتدائی اتحاد تهران که با
مدل ۵/۱۵ بین ۵۶
نفر شاگرد اول شده اند

با احداث زایشگاه دردی از درد های اجتماعی
ما درمان میپذیرد با کمکهای مالی خود در پیشرفت آن
کام کنید.

در اطراف مالکیت

بقیه از صفحه ۶۷۹

ارض موعود شدند و موسی علیه السلام زمین های آنجا را بین دوازده اسباط اولاد یعقوب تقسیم کرد قانون مخصوصی برای آنها گذارد که هر یک از اسباط میتوانند بقدر استعداد زمین را بکارند و محصول آن را مالک شوند ولی حق ندارند زمین را بدیگری بفروشند.

معنی این دستور عین مفهوم سوسیالیزمی است که امروز برای آن قانون مالکیت نوشته میشود زمین ودیعه الهی است نمیتواند مالک مهمل داشته باشد که اگر خواست آنرا بکار برد و اگر نخواست آنرا باطل بگذارد و باز هم مالک باشد مالکیت خود نسبت به اراضی مزروعی تاجائی است که میتواند زمین را بکارد و از محصول آن استفاده کند و البته زرع به زارع تعلق دارد و مالک واقعی همان زارع است.

در کشور ایران هنوز معلوم نیست که آیا حکومت دموکراسی سرمایه داری بمفهوم واقعی وجود دارد یا خیر؟ در یک قسمت از کشور خوانین و مالکینی هستند که چند صد آبادی را بارث در اختیار دارند و اجداد آنها هم این املاک را با کار و زحمت بدست نیاورده اند بلکه مطابق معمول رژیم فئودالیتیه هر زمان که بر عایای همجوار تاخته اند املاک آنها را بنام خود اختصاص داده اینک فرزندان آنها مالک نامیده میشوند اگر حکومت فعلی که مواجهه با جنبش کارگری و نهضت های آزادی خواهی در سرتاسر کشور است بتواند تعدیل و تحدید مالکیت را روی اصل قوانین مذهبی و حق و عدالت بنا گذارد این خود تحول عظیمی است که پس از چند هزار سال در این کشور باستانی انجام میگردد و جز عده معدودی از خان زاده های کم کار و پرتوقع مخالف دیگری ندارد.

اینکه در شریعت یهود و شریعت اسلام ربا خواری حرام است یک فلسفه مهم سوسیالزم است. ربا خواری مستقیم اینست که پول را با فرع معینی بدیگران داده دیگری زحمت بکشد و بنام تنزیل و جوهی را بصاحب پول بدهد و غیر مستقیم اینست که املاک مزروعی که باید در اختیار زارع باشد باز خریداری و از دسترنج او سهمی بنام مالکیت گرفته شود.

این هر دو ربا خواری و مفت خواری است که در قانون سوسیالیزم جرم و در قوانین مذهبی گناه است. سرگردان

عرض تشکر

مبلغ شش هزار ریال بابت بخش آقای کوگان بکنیسیای دروازه شمیران توسط هیئت تاتارال سینای به مدیریت آقای عزیزالله روبن بانجمن کنیسیای دروازه شمیران واصل گردید با عرض تشکر از هدیه آقای کوگان و از زحماتیکه آقای عزیزالله روبن همواره در انجام امور خیر در جامعه متحمل میگردد مراتب را باطلاع عموم میرساند. سلیمان اسحاق خنی - یادگار یادگار - صبون یادگار - نجات الله یادگار میرزا آقا طهرانی

بلاخره بنای کامل معبد در زمان سلطنت داریوش پادشاه هخامنشی یعنی بیست سال بعد از بازگشت بارص اسرائیل وهفتاد سال بعد از خرابی معبد اول پایان یافت و بنام معبد دوم یا خانه دوم موسوم گشت. (۵۱۶ ق-۳۲۴۴ عبری)

ترجمه: م. کرمانیان

تاریخ مختصر یهود

ارص اسرائیل که در آن وقت یکی از ممالک متصرفی ایران بود پادشاهی در آن سلطنت نمیکرد و بجای پادشاه رئیس مذهبی که همان «یهوشوع بن یهو صادق» کاهن بزرگ بود بانفاق زر و بابل امور مملکت را اداره میکرد و بعد از وفات زر و بابل یهوشوع و بعد از او فرزندانش مملکت را مطابق روشهای مذهبی اداره میکردند.

عده یهودیانی که بارص اسرائیل بازگشت نمودند خیلی کم بود و گذشته از فقر مادی که در اثر مالیات گزاف دامن گیر آنان شده بود تمدن خود را نیز فراموش کرده بودند. زبان عبری متروک شده بود و عده زیادی بواسطه عدم توانائی اداره زندگانی خود را بقلامی فروخته بودند و علاوه بر اینها اقوام طوایف دشمن وهمسایه هم گاه و بیگاه بشهر اورشلیم حمله آورده و اموال مردم را غارت میکردند.

در این هنگام یک کاروان دیگری از یهودیانیکه هنوز در بابل و شهرهای ایران ساکن بودند بارص اسرائیل مهاجرت نمودند محرک و رهبر آنان شخصی بود بنام «عزرا»

عزرا شخص دانشمندی بود و به دانستن علوم مذهبی مخصوصاً قوانین تورا در بین یهودیان ساکن بابل مشهور بود و از این جهت به «عزرا هسوفریا عزرائی دانشمند» ملقب گشته بود و پس از آنکه خطر از بین رفتن اجتماع یهودیان را در ارض اسرائیل حس نمود با اجازه پادشاه ایران بمعیت عده زیادی از یهودیان که شماره آنان بمراتب از بازگشت اولی زیادتر بود بارص اسرائیل بازگشت و مردم

را به مراعات قوانین مذهبی و دستورات تورا و ترک زناشویی با ملل بیگانه که در آن زمان معمول شده بود دعوت نمود و بسیاری از مردم بسخنان وی گوش داده و زن های بی گناه خود را رها نمودند.

چند سال بعد یکی از درباریان اسرائیل دولت هخامنشی موسوم به «نحمیا Nehemia» بعنوان ساتراپ یا نماینده دولت ایران بارص اسرائیل آمد و تمام کوشش خود را برای اصلاح امور یهودیان بکار برد. اولین اقدامی که نحمیا بعمل آورد این بود که برای

۱۷- محافظت اورشلیم در مقابل حملات اقوام و طوایف همسایه و دشمن حصار دور آن بنامود و این مقصود جز با تحمل زحمات سخت انجام پذیرفت باین معنی که هنگام ساختن حصار اقوام بیگانه خصوصاً شومرون ها گذشته از اینکه نحمیا را نسبت

به شاه ایران باغی و مدعی استقلال معرفی مینمودند شبها بطرف حصار حمله آورده و آنچه که هزاران کارگر در روز قبل ساخته بودند ویران میکردند. نحمیا بطوریکه در کتاب خود مینویسد کارگران را دو دسته کرده یکدسته شب و یکدسته روز کار میکردند و تمام آنرا مسلح نمود تا بکمک مأمورینی که برای دفاع آنان گماشته بود کار ساختمان حصار بانجام رسید.

نحمیا قوانین تازه ای وضع نمود و مطابق فرمان او کلیه غلامان اسرائیل که بواسطه عدم توانائی کسب معاش خود را بقلامی فروخته بودند آزاد شدند و کار کردن و انجام هر نوع معامله تجاربتی در روز «شبات» (شنبه) موقوف شد و از آنوقت به بعد دیگر هیچوقت قدوسیت شبات در میان ملت اسرائیل از بین نرفت. عزرا هسوفر و نحمیا بکمک یکدیگر هر کدام در رشته کار خود خدمات زیادی برای ملت خود انجام دادند و بپایه های آتیه ملت اسرائیل را بنا نمودند

میتوان گفت که ثبات و استقامت ملت یهود بعد از آنها و بعد از خرابی دوم معبد و گالوتی که تا کنون ادامه دارد بر عملیات و کارهای آنها استوار است.

در عهد آنان کاهن بزرگ مجلس مشاوره مرکب از پیر مردان و ریش سفیدان ملت برای خود تربیت میداد که کارهای ملت را بانظر و کمک آنان اداره مینمود. عزرا مجلسی مرکب از ریش سفیدان و دانشمندان و حکماء ملت ترتیب داد که بنام «کنست هگدولاه»

مشهور است و ما آنرا به «مجلس بزرگان» ترجمه میکنیم. اعضای کنست هگدولاه مردم را بر عایت قوانین مذهبی و اجتناب از آمیزش با بیگانگان که باعث تفرقه وجدائی بین ملت میشود دعوت مینمودند و هم آنان بودند که جمع شدن در کنیساها را در روز شبات و اعیاد معمول کرده و در آنروزها برای افراد ملت که خواندن کتب مذهبی را نمیدانستند تورا خواندن و قوانین و قواعد آنرا تفسیر میکردند چون بواسطه گالوت و کسب تمدن بیگانگان خط قدیم عبری را فراموش کرده و خواندن با آن را نمیدانستند. بقیه دارد

تاریخ سیاحتان مقبره استر و مردخای در همدان

چنانکه در گنج دانش مسطور است «اوسلی» صاحب که چندی سفارت ایران بوی تعلق داشت و خط و زبان عبری آموخته بود. خطوط منقور روی قبرهای استر و مردخای را چنین ترجمه کرده است

«پنجشنبه ۱۵ ماه دسنه ۱۷۴۴ از خلقت آدم بنای این عمارت بر قبر مردخای و استر صورت اتمام یافت بدست برادران نکدل الیاهو و شموئل پسران مرحوم اسمعیل کاشانی» با این حساب مدت ۱۵۳۲ سال از بنای مقبره استر و مردخای در همدان میگذرد. و اما از زمان زیست استر و مردخای تا کنون (که سال ۱۵۷۰ است) ۲۳۰۷ سال میگذرد. (ر. خالپری)

مدفن حضرت



مقبره حضرت دانیال نبی

اقتباس کننده - ر - خالپری

مورخین صحیح معتبر نوشته اند که در سنه ۱۹ هجری که سال هفتم خلافت عمر بود ابو موسی اشعری بعد از فتح منازل آنک شهر شوش کرد و آنجا را محاصره نمود و حکمران آن شهر که شاپور بن آذر ماهان بود چون سختی و محاصره لشکر عرب را دید و پایداریشان را فهید دانست که از

عهده مقاومت و مقابله با ایشان برنی آید لذا مالودین آذر مهر را برسات نزد ابو موسی فرستاد و برای ده نفر از خویشان و کسان خود امان طلبید که دروازه بگشاید و شهر بسپارد و خود نزد ابو موسی رود وی نیز قبول کرده اسم ده نفر را خواست.

شاپور اسای ده نفر از کسانی که منظور بود بنوشته و دروازه را گشود نزد ابو موسی آمدند و نوشته را نزد او گذاشتند.

ابو موسی گفت من بخواهش تو این ده نفر را امان دادم آیا چنین است؟

شاپور گفت بلی... ابو موسی گفت در این نوشته چرا یک نفرش را اسم خود ننوشتی کاش خود را هم جزو امان گرفته ها محسوب داشتی بحکم قرار داد مصالحه این ده نفر معفو و بصلاح مسلمانان تو باید مقتول شوی امر کرد تا او را

گردد زدنند و آنگاه بحصار شوش وارد شدند و در خانه های شاپور و خزانش یک یک وارد شده و گردش میکردند و دفاین و خزانش را مضبوط میساختند تا بخانه ای رسیدند که دری محکم داشت.

ابو موسی پرسید در این خانه چیست؟ گفتند چیزی که بکار آید نیست گفت لابد باید این راز را مکشوف کرد و امر کرد در را گشودند. درون خانه سنگی بزرگ را دید که جسد مرده ای روی آن قرار داشت و با پارچه های زرتار و صوف کفن کرده سر او را برهنه گذاشته اند که تا کردن سر و صورت باز است و قامتی مهربدی طویلتر از حد مردمان بلند آن عصر بود نوعی که مایه حیرت شد.

دانیال نبی

ابو موسی از اهالی شوش پرسید که این کیست؟

گفتند مردی است که مستجاب الدعوه بوده و در بابل وقتی که گرانی و قحطی میشد مردم باو پناه برده ملتجی می شدند و او دعا میکرد باران می آمد و گشایش میشد تا وقتی مردم این شهر مبتلا بقحطی شدند آنچه بدعا و مصلا

رفتند فرجی نشد لابد رسولی به بابل فرستادند و این مرد را خواستند اهالی بابل نگذاشتند ناچار پنجاه نفر از اهالی شوش را به بابل برهن فرستادند تا بشهر باین شهر آمد و بدعای او خداوند رحمت کرده باران فرستاد بعد از آن اهالی شوش براجعت او راضی نشدند و از آن پنجاه نفر مرمون گذشتند و او در این شهر بود تا وفات نمود.

ابو موسی صورت این حال را به عمر نکاشت عمر از اصحاب

جویای این مطلب شد کسی ندانست جز حضرت امیر (ع) که فرمود دانیال پیغمبر است و قصه دانیال را با بخت النصر واسیری

او از بیت المقدس به بابل بیان فرمودند و به عمر فرمودند صواب آنست که به ابو موسی امر شود که آن جسد را از دخمه بیرون آورده بر او نماز گذارند و لوازم

دفن و کفن بجای آورده در مکانی که دست مردم شوش بدان نرسد دفن کنند لذا عمر به ابو موسی نوشتش را بهمان دستورات از دخمه بیرون آورده گفتی بر بالای

کفن اول بوشانیده نماز گذارند و آنگاه رود خانه شوش را گردانیده در گذرگاه آب قبری عمیق حفر کرده

با آهک و سنک و ساروج محکم ساخته آن بزرگوار را

دفن نمودند و سر قبر را با سنگهای بزرگ محکم پوشیده آب را بسجرای خود جاری و از روی قبر عبور دادند. از کتبخ دانش

برای مزید اطلاع خوانندگان یاد آور میشود که مقبره حضرت دانیال هنوز هم مطابق همین سرگذشت در نزدیکی شوش موجود و عکس مقبره همان است که پشت اسکناس های ۵ ریالی متداول کشور شاهنشاهی ایران منقوش است.

عالم یهود



ساعت!

تیک تاک... تیک تاک؟

من ساعت کوچکی هستم که با گامهای استوار و یکسان عقربه های خود پیش میروم.

پیش میروم؟ همیشه به آینده مینگرم هرگز بگذشته نمی اندیشم

شب و روزیدارم خواب ندارم و زندگانیم یک نواخت است؛ اما از آن خسته نیشوم از تن آسانی میرهیزم و از کوشش باز نمی ایستم برای همه رفیق راستگو و دوست مهربانم بهیچ کس دروغ نمیگویم و با همه انس میگیرم.

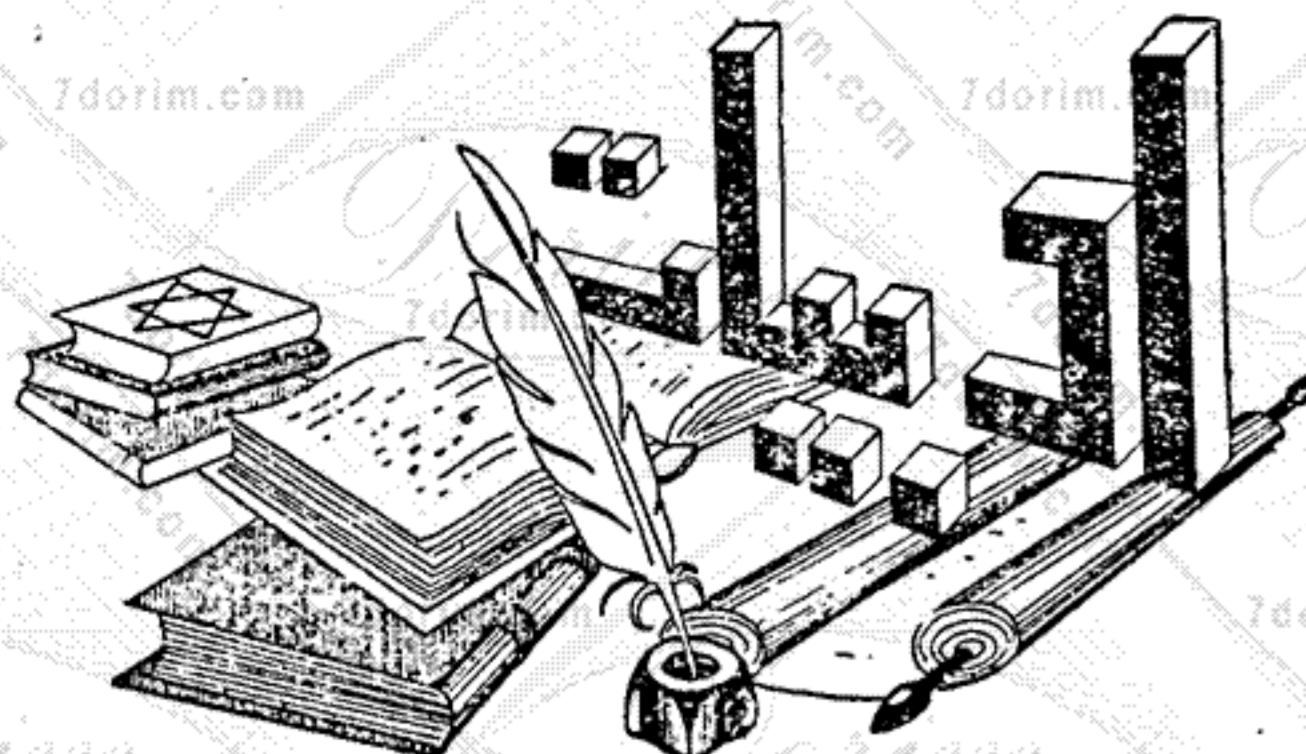
اما گاهگاهی آدمیان بر من خشم میگیرند و بسختی مورد میهربانیم قرار میدهند. زمانی که در انتظار دلداری بسر میزنند هر دم بقرار برین میگردند اما من دوستانه ساعت موعود را به آنان نوبد میدهم و با آوای ظریف تمه شکیبایی را در گوش آنان فرو میخوانم ولی این دوستان ناسیاسگزار این آدمیان بقرار، آنگاه که از بعدهدی و بی وفائی دلداری خسته و افسرده میشوند، نگاهی تند، تند و بر اضطراب و خشمگین بر من میافکنند گویی سبب دیر کردن مجبوه خویش را در من جستجو میکنند و میپندارند که من کند میروم...

زهی اشتباه که من همیشه یاری مهربان و دوستی راستگو بوده ام...

ایشان فراموش کرده اند آن شبها را که در کنار دلداری و در روشنائی ماه باچه دلی بروز آورده اند و بامدادان گله از تند رفتن من داشته اند.

ایشان از یاد برده اند که دقایق انتظار چون سالی دراز میاند و شب وصال بسان دمی کوتاه است اما من از این تند رفتن بخود نمی بالم و نیز از آن کندی و تنبلی سخت میهراسم کار من پیش رفتن است اما آرام کوشیدن است اما بدون شتاب کار کردن است ولی بی آسایش تیک تاک تیک تاک...

فرستنده - دوشیزه ملیحه ابریشمیان



۱ - روزنامه گله مرد درشت مقاله ای در موضوع شوبن بقلم سرگردان دارد و تیکه از آقای ۰۰۰۰۰ سرگردان پرسیدیم با شما چه نسبت دارند گفت بیشتر بندگان خدا سر گردانند.

۲ - در سرمقاله روزنامه جبهه شماره ۱۴۴ نوشته شده ناسیونالیست نباشید یعنی وطن فروش باشید!

بعد از خواندن این مجله بیاد مضمون نطق واعظ زمان محمد علیشاهی افتادم که گفته بود:

این کافر ها میگویند یودور دو بوتاس - یعنی خدا دوتاس

۳ - آقای ابوالفوائد در شماره ۷ روزنامه آغاز نوشته اند

«طرفداران عقیده بالفور که مقصود از این عمل آنست که یک دولت مستقل یهودی با یکی دو میلیون سکنه تشکیل گردد و بقیه یهودیان دنیا تابع آن باشند»

از ایشان خواهش میکنم یکبار دیگر با اعلامیه بالفور مراجعه و نوشته خود را تصحیح کنند اعلامیه بالفور تشکیل کانون یهود در فلسطین برای سکونت مهاجرینی که از مالک دارای عقیده ضد یهود مهاجرت میکنند لازم تشخیص داده و یهودیان دنیا هرگز تابع آن حکومت نخواهند بود.

۳ - آقای رحیم رحیمی ضمن مقاله با نوشته اند

هر قدر فکر میکنم رابطه و علاقه ای بین خود و این کره خاکی نمی بینم. معلوم میشود شما از فرشتگانید بهتر است به آسمان صعود کنید اگر خبری یافتید عالم یهود را هم بی خبر نگذارید.

۴ - آقای صیون که نیم مسابقه ۶ از نظر اهمیت موضوع چاپ میشود.

۶ - آقای ایمانویل سامیح - ایندغه یک نیم ذرع بهمه شعر پراکنده بفرستید تا ما وزن و سجع آن را اندازه بگیریم

۷ - آقای عبدالله لاوی شعر پراکنده که فرستاده اید معروف نیست.

۸ - آقای داود شرافت خواه - جدول شما با عالم یهود ربطی ندارد.

۹ - آقای م خیر خواه بنا بگفته آقای ۰۰۰۰۰ سرگردان یهودی بودن و در دنیا زندگی کردن بقدری مشکل است که حتما مقاله شما را هم نمیتوانیم چاپ کنیم.

۱۰ - دوشیزه ۱ - ژرفی مقاله ادبی تحت عنوان تو بخند فرستاده اند خواهی نخواهی ماهم خندیدیم

۱۱ - آقای ماشاءالله دو چرخه ساز از مشهد شعری برای ما فرستاده و در یک جا گفته اند: ای قوم کلیبی بشما باد بشارت

هان وقت گشولاست اگر بایشان بریم

ما هم وقتی در اتوبوس نشستیم بشوفر سفارش کردیم یا را بفشارد در جواب گفت سرعت سیر اتوبوس ساعتی بیست کیلومتر در ساعت بیشتر ممنوع است.

در اینصورت پیش از این نمیتوانیم یا بفشاریم آنقدر سخت نگیرید.

۱۲ - آقای رحیم رحیمی از نویسندگان گاهی مطالب مهمی برای ما میفرستند در یک مقاله زیر عنوان پایگاه عشق نوشته اند:

دیگر فشار زندگی را حس نمیکنم !!!

۱۳ - آقای ژوزف: در روزنامه اسرائیل شرحی را که در عالم یهود راجع بوضع ناگوار یهودیان شیراز در یکی از شماره های قبل نوشته شده مورد توییح و ملامت قرار داده اند.

آقایان و دوستان ما گاهی انتقاد را با ناسزا اشتباه میکنند آنچه مسلم است بهترین وسیله برای تکمیل و رفع نواقص جامعه انتقاد است آنچه را با مدارک مثبت نوشته ایم خود یک نوع انتقاد است.

اگر آقای ژوزف هم مایل هستند از ما انتقاد بکنند بشرط اینکه شرایط آنرا رعایت کنند بسیار خوشوقت میشویم و البته ضمن این دونوع انتقاد مایبی معلوم و برای رفع آن اقدام خواهد شد ما انتقاد مردمان ذیصلاحیت را بیش از تعریف و تمجید مردمان غیر صالح دوست میداریم و سعی میکنیم از انتقاد بسود خود و بسود جامعه یهود استفاده کنیم.

جواب سرگردان راجع به مسئله اعراب و یهودیان

بچه مچه های عالم یهود دارند من گوشه نشین و تاشاچی را با این حرف ها داخل معرکه میکنند.

عرض کردم مسلک و عاشق بیته ام کم کم تصور فرموده اند کف بینی هم میدانم مسئله اعراب و یهود اگر سیاسی نباشد اقلاً در خور فهم عقلا و فضلاست شایسته است که مورد بحث و مطالعه کسانی واقع شود که در تاریخ مهارت داشته باشند بدانند ساکنین اولیه فلسطین چه کسانی بوده در سه هزار و هفتصد سال قبل که موسی علیه السلام آن سرزمین را فتح کرد بنا بر روایت تاریخ ساکنین آنجا را معلوم ساخت.

ساکنین قبل از آن تاریخ در فلسطین زنده نماندند که امروز کسانی بنام عرب یا عجم دعوی وراثت کنند.

گذشته از این مطالب موضوع فلسطین ارتباط با رشته های حیاتی دولت های بزرگ و خیلی بزرگ دارد بیچاره سرگردان چگونه جرئت کند راجع به حقانیت یک طرف قبل از مشورت با مقامات عالی اظهار عقیده کند شما هم که فرصت زیاد ندارید که من اطلاعات خود را ضمن تحصیل اجازه کامل کرده عرض کنم برای اینکه سؤال را بی جواب نگذارده و بقدر گلیم خود یادراز کرده باشم مسئله عرب و یهود را ضمن قصه ای که از خبره ای شنیده ام مختصر آبرض میرسانم :

مرد عربی که ابراهیم نام داشت کور مادر زاد بود میداند شغل عمومی مردمان کور در قدیم الایام شغل با برکت گدائی بوده ابراهیم هم این کاسبی بی مایه را اختیار کرده بود روزی از دروازه شهر بیت المقدس بیرون شد و سر راه عابرین نشست و مدد میخواست کور دیگری

شرحی را که ما نوشته ایم از طرف یکسفر بی غرض و بیطرف نوشته شده و ما برای حصول اطمینان به حقیقت مندرجات آن به اشخاص طرف اعتدال رجوع کرده و مکاتبه نموده ایم پس از اینکه خرابی اوضاع یهودیان شیراز از طرف چند نفر معتمد تأیید گردید آن مقاله را چاپ کردیم حال هم اگر آقای زوزف یا اشخاص دیگری مایل باشند میتوانند بدفتر عالم یهود مراجعه و مدارک ما را با امضاء اشخاص طرف اعتدال ملاحظه کنند .

چه قدر باعث خوشوقتی و مسرت خواهد شد اگر آقای زوزف بتوانند واقفا وضعیت یهودیان شیراز را آنچه هست برای ما و برای سایر یهودیان روشن نمایند مخصوصاً اگر گفته ایشان صحیح باشد و محیط زندگی یهودیان شیراز اصلاً دارای معایبی نباشد ما کمال افتخار را خواهیم داشت .

۱۴- آقای آقاجان همدانی : معلوم میشود شما قسمت ۲۰ این کتاب را نخوانده اید ، مطالعه کنید منظور شما در باره شناساندن یکی از بزرگان یهود قبلاً عملی شده است .

که در آن حدود سالها گدائی میکرد صدای گدای تازه وارد را شنید عبا زنان نزد ابراهیم آمده از او پرسید تو کیستی نامت چیست ؟ گفت ابراهیم عرب و از دو چشم کورم سالها است گدائی میکنم امروز گذرم باین جا افتاده تو بگو به بینم کیستی و نامت چیست کور قدیمی گفت نام من ابراهام است از دو چشم کورم و یهودی هستم .

دو نفر کور که هر دو بزبان ملی خود ابراهیم نام داشتند باهم رفیق شدند و چون سرمایه هر دو رایگان بود قرار شد بشرکت گدائی کنند یک کور عصا کش کور دیگری سالها باهم زندگی کردند هر شب آخر وقت پولهای سفید و سیاه را که از دست بندگان خدا گرفته بودند کور مال کرده تقسیم مینمودند باز فردا صبح با همان سرمایه بشرکت خود ادامه میدادند .

بخاطر دارید که سالهای گذشته مسافرت با کشتی بادی و بالاعا و قاطر انجام میشد مسافرتی خارجی کمتر گز یک شهردیده میشدند . یک نفر انگلیسی صحیح النسب که کتاب های قدیمی را خوانده بود در کرد که در دنیا خاور میانه ای هم وجود دارد و در این سرزمین چیزها یافت میشود یاورچین پاورچین منزل بمنزل طی مراحل آمد و آمد تا رسید به دروازه بیت المقدس چشمش باین دو نفر کور افتاد ساعتی آنها را با دیده بصیرت نگریست و چون چهار عمل اصلی را خوب یاد گرفته بود پیش خود حساب کرد که اگر برادری ابراهام و ابراهیم به همین پایه بنامند همیشه شب میشود و روز میشود باز این دو نفر یکدیگر را دوست دارند و تا زمانی که بین این دو نفر الفت هست یگانه راه ندارد یکی از شاهکار های قلابی یادش آمد دست برد در جیب و با مشت خالی با صدای بلند باین دو نفر کور گفت این لیره را بگیرید !

هریک از این دو نفر کور فرض میکرد لیره را رقیش گرفته است در صورتیکه مسافرت تازه وارد فقط حرف زده بود لیره ای بکسی نداده بود . شب شد پولهای سیاه و سفید را باهم تقسیم کردند ابراهیم به ابراهام گفت ای ناقلا چرا لیره را نکفتی ابراهام گفت یک دستی بمن زن لیره را بتو داد حالا میخواهی بمن ندهی این حرفها را مینوی .

منازعه بین ابراهام و ابراهیم سر لیره موهوم شروع شد . و چون پای لیره در کار بود هر یک با صداقت کامل قسم یاد میکرد که کور دیگر سر او کلاه گذارده و لیره را خورده این منازعه بین الاثنین دامنه دار شد که تا امروز هم ابراهیم و ابراهام از عشق لیره دیوانه وار به یکدیگر بریده و هر نسبتی را بهم میدهند حالا خواننده عزیز اگر یک نفر عاقل از مردم انگلستان پیدا بشود و تکلیف لیره موهوم را معلوم کند بین ابراهام و ابراهیم آشتی بر قرار خواهد شد

سرگردان

جوجه نویسنده ها دقت کنند



خونده های عزیز شما ها از من بهتر میدونید که در هر دوره ای به چیزی باب میشه و مثل مرض مسری همه سرایت میکنه خیال نکنید که در دوره ما است که سقز جویدن باب شده همیشه همینطور بوده آگه یادتون باشه چند سال پیش به چیزی باب شده بود باسم یویو . زن و مرد کوچک و بزرگ هر کدام یکی دستشون بود بچون خودتون نباشه بچون داش

رک گو زنه ای هفتاد هشتادساله هم یکی به دونه آزان یویوها زیر چادر دستشون بود و دایم باهاش بازی میکردن . مختصر این روزها چیزی که بیشتر از همه بانه و حتی میتونم بگم که خاصیت سرایتش از یویو هم بیشتره نویسنده گی است . هر حلال زاده شیر پاک خورده ای که فقط تا کلاس سوم ابتدائی یعنی بقدر محصل درس خونده باشه به دونه قلم دست گرفته و خودشو نویسنده زبر دستی میدونه . از قدرتی خدا سر هر گذری هم شش تا اداره روزنومه و مجله سبز شده .

ما هم بحکم اینکه همیشه سعی کرده ایم هم آهنگی خودمونو با سایر هموطنان حفظ کنیم یعنی اینکه سازمونو میخواهیم با ساز اونا میزون کنیم مبدا نوائی که ما میزنیم با اونا مطابق نباشه و خدای نکرده کوچکترین صدمه ای بکار اونا بزنه . زود دست و پا کردیم و یکی دو تا نشریه درست کردیم بچه مچه ها هم که تشنه این کار بودن تا چشمشون به آب افتاد شروع کردن به شنو کردن تا اینجا حرفی نیست اما !!

بچه ها این روزنامه های قد و نیم قدی که می بینید درو مدن و داتم باین و آن حمله میکنن هر کدوم به منظوری دارن بعضی ها وابسته به حزبهائی هستن و میخواهه مراننامه حزب خودشونو رواج بدن بعضی دیگه میکنن دستهای نا پاکی درشون دخالت داره و برای راضی نگه داشتن ارباباشون بیجهت هموطنانشونو بیاد فحش و ناسزا میگیرن و عده ای هم که احساساتشونو اون یکیا تحریک کردن بدون اینکه خودشون علتشون بدون هی داد و بیداد میکنند .

اما ما که بتصدیق عموم هم میهنانمون در هیچ مورد کوچکترین عملی از مون سر نزده که سر سوزنی بضرر وطن و هموطنانمون باشه تا جایی که یکی از عیبجویان پس از اینکه تمام فکرشو بکار انداخته بشونه ایرادی از ما بگیره میگه شماها از صبح تا شب همش بفکر پول در آوردن هستین . این بابا از تنگی قافیه است که این حرفو میزنه و گرنه خودش بهتر از من و شما میدونه که بفرض بیشتر پول در آوردن ما معنی بیشتر زحمت کشیدن و بیشتر خدمت بیمن نموده . باری ما نباید کور کورانه و از راه سادگی و بچه گی از

رویه سایر نویسندگان تقلید کنیم یا بحرف هر کس و نا کسی جواب دهیم . جامعه ما که حزبی تشکیل نداده و مرام مخصوصی نداره که در راه پیشرفت آن مرام سیاسی شماها بخواهید مبارزه کنید . حزب ما حزب خدای یکتا و مرام ما توحید است که در راه پیشرفت آن آتقدر فداکاری و با فشاری نمودیم تا جهان را

از گمراهی و بت پرستی موهومات و خرافات نجات دادیم . من نمیگویم که شماها نباید در سیاست دخالت کنید . خیر! بروید در حزبهای سیاسی هر کدام مطابق مرامتان است وارد شوید و در پیشرفت آن دوش بدوش برادران مسلمان ، زردشتی ، و آسوری مبارزه پردازید مگر لئون بلوم پیشوای سوسیالیستهای فرانسه یهودی نیست شما هم در هر حزبی که وارد میشوید آتقدر کوشش کنید و آتقدر فداکاری نمائید تا بکوری چشم بداندیشان شایسته پیشوائی گردید .

اما وقتی بنام یهود و اسرائیل قلم بدست میگیرید بایستی فقط در راه استقلال و عظمت ایران عزیز مبارزه با جاهل و خرافات ، دفاع از حقوق حقه جامعه یهود کوشش کنید . و بی مطالعه در سیاست وارد نشوید . یکی از بچه نویسندها با آب و تاب تمام نوشته بود « سیاست برای آب است و نان » آره عزیزم خوب تشخیص داده ای اما سیاستمدار هر کسی نیست ! هزار نکته باریکتر زمو اینجاست

نه هر که سر تراشد قلندری داند . آخه جانم هر کسی که قلم در دست گرفت فوری سیاست مدار نمیشود .

سیاست ! مخصوصاً سیاست خارجی مثل ماشین برق فوق العاده خطرناکی است که هر بچه بی اطلاعی نمیتواند بدان نزدیک شود و در صورت بازی کردن با چنین اسبابی نه فقط جان خودش را در خطر میاندازد بلکه ممکن است برای جمعی اسباب زحمت شود در صورتیکه استاد متخصص با اون دستگاه خدمات زیادی بنوع خودش میکند

اگر عمری باقی بود باز هم در این خصوص صحبت میکنیم قربان شما فضولباشی

طبقه اول بنای زایشگاه در شرف اتمام است برای تشویق کارمندان کانون خیرخواه سری بخیا بان سیروس و زایشگاه بنید و بمنظور پیشرفت امور مالی کانون از هیچگونه کمک مالی و مادی مضایقه نفرمائید .

نشانی دفتر

تهران

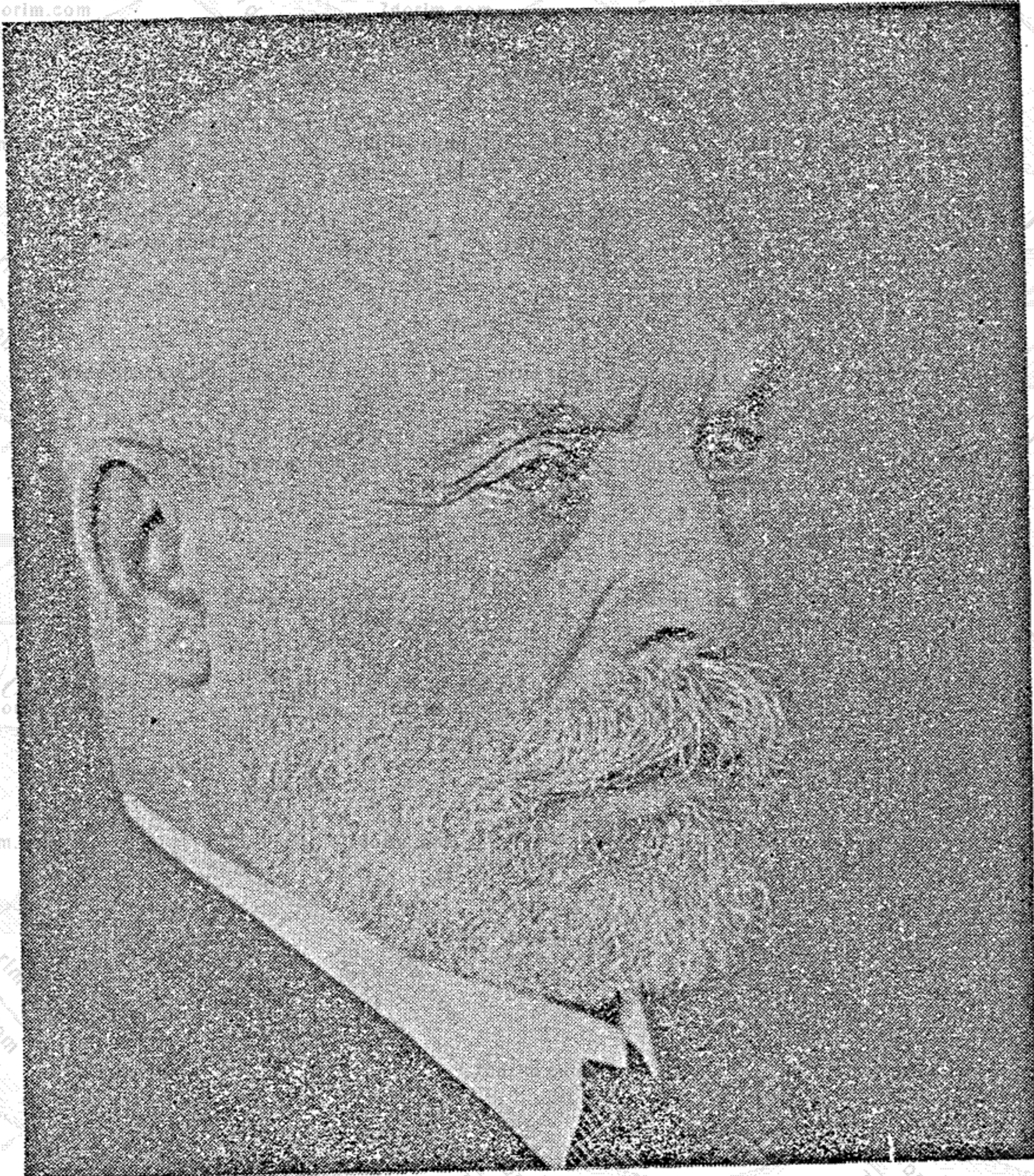
خیابان سپه مقابل پستخانه

عنوان تلگرافی

«هاعولام»

عالم بزرگوار

عالم بزرگوار



رجوع شود

به صفحه

۹۹۶

شنبه سوم تموز

۵۷۰۶

ماه ریال

قسمت

۴۲

نتیجه مسابقه شعر پراکنده قسمت ۴۷

باسخ:

« طلب منصب عالی نکند صاحب عقل

عاقل آنست که اندیشه کند پایانرا »

اشخاص زیر جواب صحیح داده اند:

از تهران بانو مهین کامیابی - سارا

ابزدی - دوشیزه پروین حقانی و آقایان ص. کهنیم.

د. حکائیان - امیر زر - ر. رفیع - ی. عاقل -

۱ - بغدادی یور - م. دوست - ه. شریفی - ک.

گلشنی - ن. ح. روبنی - خ. میطاحی - ع. رفیع

کاشی - ه. نورمند - م. کهنیم - ی. شبان - ف. لاری - ب. شاعر -

ش. دانشور - ص. حاخام - ش. مطوب - س. فرزاد - ر. افغم.

شهرستانها: بانو احترام یعقوب زاده، فرنکیس اصغری - و

دوشیزه ملک حیاتی، و آقایان - خ. گدولیم - ر. رحیمی - ر. ابراهیمی.

۱. ابراهیمیان - خ. نجابتی - گ. مرادی - ف. حکاکیان - م. شعبانزاده.

ی. ابراهیمیان - ع. عزیز زاده - ص. کرمانی - ی. شیریان - ۱. سعیدیان

م. داود پور - م. حاخام زاده - م. متحد - ۱. گبای زاده - ی. گبای

زاده - ۱. کاشر - ن. اسحاقیان - ی. نظیری - ن. طیب زاده -

۱. غایتیان - پ. شیریان - ۱. همدانی - ع. لعلی - ن. نور افشان -

ص. کرمانی زاده - ش. دیانزاده - د. آبانی - ۱. نسیمی -

۱ - شوحط - ۱. شرافتخواه، ی. زرو بابلی - م. اسحاقیانپور -

برندگان از تهران بانو سارا ابزدی و از شهرستانها احمد

غایتیان (ما بل) میباشند

نتیجه مسابقه شعر مصور قسمت ۴۷ باسخ:

« تیر و تیر بیر بیر تیز کس کو تیز کن تیر از تیر تیز تر »

اشخاصیکه جواب صحیح داده اند

از تهران: آقایان صیون حاخام - ن. دانشور یوسفی بابا

جان شاعر - رفیع الله رفیع - ی. عاقل - د. حکائیان - خداداد شطوب،

شهرستانها: دوشیزه فرنکیس اصغری و آقایان امیر امیریان -

صیون کرمانی - خانی گدولیم، خداداد سنجانی - م. اسحاقیانپور - یوسف

عزیز - صیون کرمانی زاده - نسان طیب زاده - رحیم خلیل - داود شرافتخواه

الياهو متوسل - یجزقل زرو بابلی - امان الله نسیمی - برندگان از تهران

صیون حاخام و از شهرستانها خانی گدولیم (شیراز) میباشند.

اگر - شراب - ۴ - یکی از ابزار بزرگران - عکسش بمعنای تیغ است

۵ - اشاره بدور - حرف اضافه ۶ - پدر حضرت ابراهیم ۷ - درهم ریزی

بمعنای مریض است

جدول فوق را حل نموده بایکریال تبر بفرستید بچهار نفر هر یک

۱۰ قسمت عالم بیهود داده میشود.

جمله مصور

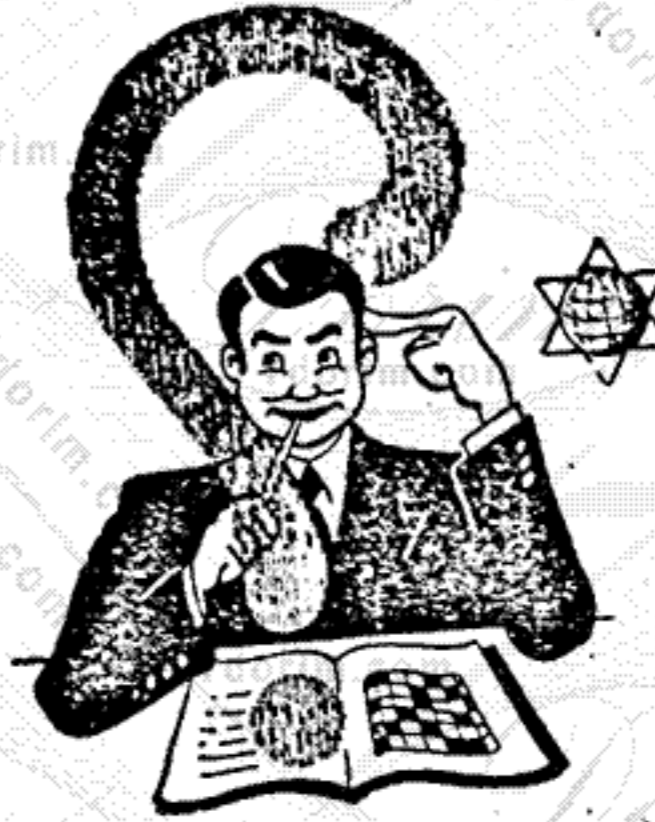
جواب بایکریال تبر

باید همراه باشد و به چهار

نفر از شرکت کنندگان

هریک ۱۰ قسمت عالم بیهود

جایزه داده میشود.



معما

شخصی در باین مرده ای گریه و زاری مینمود
رهگذری از او پرسید این کیست که تو برای او
گریه میکنی در جواب عابر گفت که برادرزاده این
مرده دانی من است.

آیا شما میتوانی بدشخصی عابر بفهمانید که
مرده چه نسبتی با شخص گریه کننده دارد؟

اگر میتوانید برای ما هم بنویسید و بایکریال تبر
بفرستید تا ده قسمت عالم بیهود جایزه بشما بدهیم.

فرستنده معما: حبیب الله حکایان
شعر پراکنده

هیزم	مسجد	را	نگفتم
که	که	تو	دادم
تیشه	بکن	دیوار	شکن

یک بیت شعر در این جدول پراکنده شده است شعر مطلوب را
یافته بایکریال تبر برای ما بفرستید بچهار نفر از شرکت کنندگان بحکم
فرعه ۱۰ قسمت عالم بیهود داده میشود.

طرح کننده: هوشنگ کردیان

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷

عمودی

۱ - نام یکی از فرزندان هارون ۲ - عضوی از بدن انسان

۳ - مسیر خون - خشک نیست ۴ - موهای کردن اسب - سرد نیست ۵ - سوم

شخص مفرد - دوستی ۶ - از خزندگان ۷ - نام یکی از یغبرانی که پادشاه

حزقهاو را در امور مملکت مساعدت مینمود
اقتی

۱ - یکی از بلاهای خانانوسوز بشر ۲ - یکی از حیوانات ۳ - مخفف



جمله مصور

جواب بایکریال تبر

باید همراه باشد و به چهار

نفر از شرکت کنندگان

هریک ۱۰ قسمت عالم بیهود

جایزه داده میشود.

منجم
اوسیسکین
اوسیشکین